

# انقلاب اسلامی

**در دیدار با  
سه برادر  
مخترع**

خبرگزاری پارس - پیش از ظهر دیروز سه برادر مخترع جوان بنام‌های عباسعلی عبدالرحیم و عبدالرضا رازی که دستگاه‌های جدید حفر قنات - کامباین دیزلی - تلفن همگانی وهم‌چنین دستگاه برکدن شیشه‌های دارو را ابداع کرده بودند بحضور

**رجائی:  
یکی از  
مشکلات  
دولت  
اجرای  
قانون  
اساسی  
است  
کیفیت رابطه  
رئیس‌جمهور  
ونخست‌وزیر  
معین نیست**  
در صفحه ۱۱

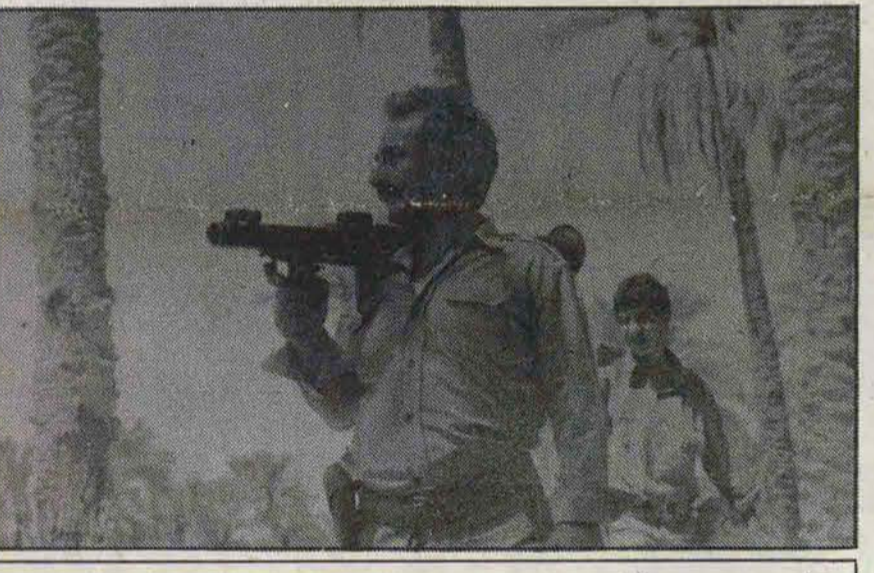


بر اثر آتش خمپاره‌های رژیم بعث به نقاط مسکونی پنج نفر کشته شدند

## در یک شبیخون به سنگرهای دشمن در آبادان و خرمشهر:

# بزرگترین انبار مهمات دشمن منهدم و ۲۰۰ تن کشته شدند

**طی عملیات هماهنگ ارتش و سپاه ۱۷۰ تن از نفرات دشمن کشته و زخمی شدند**  
بمباران و گلوله باران قسمتی از تأسیسات نفتی، سه پادگان و یک ستون زرهی دشمن



پاریس - خبرگزاری فرانسه - ایندیپندنت گاست از دیدار لئونید برژنف رهبر شوروی از هند که از دیروز آغاز شد، برای تکرار نقاشی اوائل سال جاری هند مبنی بر خارج شدن نیروهای شوروی از افغانستان بهره‌برداری نخواهد کرد. نخست‌وزیر هند اظهار داشت آنچه که مطرح است چیزی نیست که ما تقاضای آن را داریم بلکه واقعاً افغانستان و آنچه که منافع شوروی را در برمیگیرد مطرح خواهد شد. وی افزود من همیشه با آغاز آن چیزی که شانس اتمام آن کم است مخالف بودم و در حال حاضر

این جنبش سخت تلاش کنیم وی همچنین گفت‌هاند در کنفرانس کشورهای پیشنهاده شده و جهت بررسی اتخاذ یک موضع مشترک در مورد افغانستان تشکیل می‌شود. نکته‌نویس گفت من به این نوع کنفرانس معتقد نیستم. موضع هر کشوری مشخص است و شرکت پاکستان در این کنفرانس که به‌زعم مسکو، این کشور دلیل اصلی دخالت شوروی در افغانستان می‌باشد، اتخاذ هر تصمیمی در این کنفرانس مورد قبول شوروی نخواهد بود.

دهند وی سپس افزود اگر امام اجازه فرمایند ما حتی قادریم ادوات جنگی بسازیم - آنگاه امام فرمودند من به مسئولین میگویم که انشاءالله به دولت و مسئولین تذکر بدهند که با شما همراهی کنند که البته ملت هم موظف هستند که با شما همراهی کنند تا انشاءالله کارها را راه بیاندازد که ایران انشاءالله مستقل بشود و استقلال وقتی است که انشاءالله احتیاج به این که درستان را دراز نکنید به خارج و چیزی بگیری نداشته باشید مادامی که ما محتاج هستیم از دیگران چیزی بگیریم مستقل نیستیم مادامی که ما زراعتمان دراز نباشد وابسته و بسته هستیم تا ما بتوانیم صنعت خودمان را برسانیم به آنجائی که دیگر محتاج به دیگران نباشیم وابسته‌ایم باید همه کوشش کنیم آنهایی که مخترع هستند آنهایی که متفکر هستند زارعین کارخانه دارها همه کوشش کنند که خودشان را کارخودشان را انجام بدهند من دعا می‌کنم موفق و موید باشید و میگویم سفارش کنید که در شما در این زمینه همراهی و کمک کنند تا انشاءالله کارها را بخوبی انجام بدهید.

**دیدار ۳ تن از برادران مخترع با امام**  
هم چون کرده بودند که ایرانی‌ها چیزی نیستند و باید همه‌چیز را از خارج بیآورند. از اروپا بیآورند از آمریکا بیآورند. و اسباب این شد که مغزهای ایرانی بکار نیفتند و نگذاشتند بکار افتند. ایران افرادی همه از بیساری از ملت‌ها بالاترند لکن نگذاشتند که این استعدادها بکار بیفتند باید استعدادها را بکار بیاندازند و دولت ملت تأیید کنند از این کسانی که انتراع و ابداع میکنند تا انشاءالله ایران خودش همه چیز را بسازد. و مستقل بشود - آنگاه حجت‌الاسلام حاج‌سیداحمد خمینی که در این دیدار حضور داشت گفت با برادران از شما تقاضا می‌کنند حضرت عالی دستور بفرمائید مسئولین برای بکار انداختن و استفاده از این ابداعات وهم‌چنین از این مغزها توجه و عنایت بیشتری مبذول دارند سپس یکی از برادران رازی در مورد دستگاه‌هایی که اختراع کرده‌اند توضیحات مختصری به استحضار امام امت رسانید.

# امام بر بکارگرفتن استعدادها جهت رسیدن به خودکفائی و استقلال تأکید کردند

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسیدند و ضمن ارائه دستگاه‌های ابدائی خود طرز کار و استفاده از آن را به استحضار امام رسانیدند.  
امام در این دیدار ضمن دعای خیر و آرزوی موفقیت برای آنان مطالبی به این شرح ایراد فرمودند:  
مهم این است که ایرانی‌ها بفهمند که خودشان می‌توانند کار بکنند در این طول زمان این معنی را در همین صفحه

**باید استعدادها را بکار بیاندازند و دولت و ملت تأیید کنند تا ایران انشاءالله مستقل شود**

**آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان من از محتوای قطعنامه خبر نداشتم**  
احمد سلامتیان:  
مطمئن هستم و میدانم که مردم اصفهان اهل کوفه نیستند

**به نظر ما امریکا به حل مشکل گروگانها نزدیکتر شده است**  
رئیس مجلس در مصاحبه مطبوعاتی:

تهران - حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی عصر دیروز در گفتگویی با خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت کرد و به سوالات آنان در زمینه‌های گوناگون پاسخ گفت:  
از رئیس‌مجلس سؤال شد شما بعنوان عضو شورای عالی دفاع توضیح دهید که آیا در ارتباط با شرایط بنحیثی عراق توسط وزیر خارجه کوبا شورای عالی دفاع مذاکراتی انجام داده و یا احیاناً تصمیماتی را اتخاذ نموده است.  
حجت‌الاسلام هاشمی گفت پیش از اینک من به مسافرت بروم آقای بنی‌صدر فرمودند که عراق پیشنهاد کرده که بدون سروصدا از ایران برود و بعد آتش‌سپس اعلام شود. شورای عالی دفاع نظریه این بود که تا سربرازان عراقی در ایران هستند ما دفاع میکنیم هیچ قیدی برای خودمان قائل نیستیم و در مدتی که من نبودم اگر در جلسات مطرح‌شده خبر ندارم و بعد از آمدنم هم بعلم بیماری آقای بنی‌صدر فقط یک جلسه داشته‌ام که در آن پیام کوبا مطرح‌شده ممکن است در غیاب من مطرح‌شده باشد.  
حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ به این سؤال که علت این پیشنهاد عراق را در چه میبینید گفت:  
در ضعف عراق وی افزود من بکار دیگر گفتم که صدام در این‌بست قرار گرفته اگر بماند هرروز باید متحمل تلفات سنگین شود و اگر بخواهد برود برای رفتن خود بهانه‌ای لازم دارد چون مردم عراق آزار خواهند پرسید که این تلفات بخاطر چه بوده.  
صدام دنبال راهی میگردد تا خود را نجات دهد و به نظر ما دیگر به صدام نباید اجازه داد تا نجات‌یابا کند چرا که این ظلم است هم به مردم عراق و هم به مردم ایران و هم به مردم منطقه.  
هاشمی رفسنجانی در پاسخ‌سئوالات متعدد در صفحه ۳

**باند بزرگ ضد انقلابیون در قروه متلاشی گردید**  
تعدادی دیگر نیمه‌باز بودند. در گفتگویی که با چندتن از بازاربانان داشتیم آنان از قطعنامه روزجمعه اظهار ناراضی می‌کردند و همچنین اظهار میداشتند از اینکه امروز نوار سخنرانی سلامتیان در مشهد در مدرسه نجات‌یابا شد چرا که این ظلم است هم به مردم عراق و هم به مردم ایران و هم به مردم منطقه.  
هاشمی رفسنجانی در پاسخ‌سئوالات متعدد در صفحه ۳

**بنیاد علوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب**  
عطف به اطلاعات بنیاد علوی از طریق رسانه‌های عمومی در مورد بازپرداخت وام دریافتی دانش‌آموزان و دانشجویان ضمن تأکید مجدد، به آدرس زیر مراجعه شود.  
میرداماد شماره ۱۴۵



**توضیحات سید حسین خمینی درباره پاسخ رئیس‌جمهور**  
در صفحه ۲

**از دبیرستان تا اوین؟! گزارشی از سفر خوزستان**  
حماسه رزم هواییروز

**کارنامه رئیس‌جمهور**  
رزم بقای یک ملت در بوجود آمدن روحیه ابتکار در آن جامعه است

**قیمت و سهمیه پودر پاک کننده ماهیانه هر خانواده تعیین شد**  
سهمیه سرانه هر نفر در ماه ۲۴۰ گرم پودر پاک کننده است

**باند بزرگ ضد انقلابیون در قروه متلاشی گردید**  
که تعداد آنها تاکنون عنین گزارش شده است. بنا بر همین گزارش مقادیر زیادی اسلحه و مهمات از صدامتلاشیون بدست آمد. در این درگیری پاسداران شهرستان قروه در درگیری که دیروز بین پاسداران و پیشروگان آمده است: وقتی اجساد کشته‌شدگان به شهر حمل می‌شد مردم قروه به خیابانها ریخته و با شاره‌هایی از پیروزی پاسداران در این ماجرا از آنان بهلاکت رسیدند

**لیبرالیسم چیست و چرا طرح شد؟! گفتگویی با استاد سید ابوالحسن بنی‌صدر**  
مطلبی که باز می‌خواهم تأکید بکنم، اینست که انسان در عین حال که لایق‌ترین و قوی‌ترین موجودات است اگر باور به خود و اعتماد به خود را از دست بدهد، ضعیف‌ترین موجودات است و اگر این اعتماد بنفس در او القاء بشود، قویترین موجودات است و عین تلاش من و وقف به این معنا و باز بردادن اعتماد به نفس به کسانی است که طرف دو سال کوشش مستمربکار رفتن است و بکار برده‌اند که این اعتماد بنفس را از آنها بگیرند.  
من به لحاظ شیوه نادرست تبلیغات جز اینکه از مردم اعتماد کنم و از آنها به جد بخواهم نه تنها اعتماد به تبلیغات نادرست نکنند، بلکه با حمایت فاطم هم‌جانیه این اعتماد به نفس را در نیروهای مسلح ما بوجود بیاورند.



### نگاهی به جو اصفهان و سخنی در مورد احمد سلامتیان

من آقای سلامتیان را از نزدیکی شناسم و متن سخنان ایشان را هم ندیده‌ام و دفاعی هم فداام و آنچه در این مقاله باستان ارتباط پیدا میکند مربوط به عنوان نماندگی و سرنوشت قوه مقننه است بنظر ما جوی که در اصفهان پیش‌آمده صرفنظر از طبیعی یا مصنوعی بودن آن سرآغاز غزلی است که اگر بیت اول آنرا درباره آقای سلامتیان سرودماند این راه بسوی بقیه نمایندگان و اساس قوه مقننه باز شده و دیگران هم باید منتظر دنباله این غزل باشند، این کار مانند بسیاری از کارهای دیگر ما فصل جدیدی را در نظام قانونگذاری باز کرده است که آیا مردم می‌توانند هورقت نشان بخواهند نمایندگان مجلس را عزل کنند و منتظر نمانند که مدت نماندگی باخر برسد؟ و اگر بخواهیم با قالبهای جدید و حقوقی صحت کنیم مسئله را اینطور مطرح میکنیم که آیا وکالت مجلس عقد جایز است یا لازم- و چون وکالت اصولا عقد جایز است، همانطور که وکیل میتواند استعفاء کند، موکل هم میتواند وکیل را عزل کند - و چون مجلس موافق و مخالف و اقلیت و اکثریت وجود دارد همیشه این بهانه وجود دارد که اگر سخنان یک نماینده بنظر عده‌ای خوشایند نبود آن گروه حق داشته باشند با راهبندی و صدور یک قطعنامه و سردادن شعارهای: اخراج باید گردد، اعدام باید گردد به حساب آن نماینده برسند، گرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که مدت نماندگی چهارسال است (اصل ۶۳) ولی تعیین مدت معنی لزوم عقد نیست و در قانون اساسی گذشته اصولی وجودداشت که بغیرنه تقابل، عقد وکالت نمایندگان مجلس را لاقابل یکطرفه لازم میساخت، ولی در قانون اساسی فعلی این مطلب مورد توجه قرار نگرفته است. مجلس قانونگذاری نسبت به دوقوه دیگر کشور موقعیت خاصی دارد که به عقیده ما باید گفت در این سببها همزمرتیان رکن است و اگر در الفاظ و قبالب قانونگذاری حق این قدرت اداء نشده است عملا باید حریم نماندگی از آسیبپذیری مصون بماند.

و بهمین جهت در تاریخ قوه مقننه کشورنازک است و احترام ملی پشتیبان آزادی بیان نمایندگان بوده است، فراموش نباید کرد که نماینده‌ای که از یک حوزه انتخاب شد پس از انتخاب‌شدن دیگر نمتعلق بجزوه اصفهان یا کاشان نیست و در برابر همه مردم کشور مسئول است - نماینده مجلس دارای مصونیت است و کسی حق ندارد در مقابل اظهاراتی که بنسبیت و طبقه وکالت خود نموده است نسبت باو تعرض کند، صرفنظر از توضیح آقای سلامتیان در روزنامه انقلاب اسلامی راجع به مآبیت این راهبیمانی برای کسانی مانند نویسنده این مقاله که در کارهای اجتماعی و فن خطابه و سخنوری مختصر آگاهی دارند بخوبی روشن است که مردم درجه واقعی خودشان دورهم جمع میشوند و درجه مورادی باید مردم را جمع کرد - مانند اجتهاداتی که برای تحریک باروضه خوانی، یا تشییع جنازه شهیدان، یا استقبال های مهم و یا سخنرانیهای شخصیت‌های مشهور و یا فاعه عمومی و... پدید میاید و گروههای سازمان یافته با شعارهای پیش‌ساخته یا گروههای خودجوش فرقه‌ای دارند که ما فلا درصدد تشخیص مورد تقسیم و مردم کشور نیز در اثر مبارزات چند سالی که کرده‌اند تا حدودی این امور را میفهمند، لکن آنچه مهم است نتایج و آثار این کارها است که باید بررسی گردد.

شاید خوانندگان عزیز بخاطر داشته باشند - از روزی که عده‌ای از اعضا دفتری دادگستری بسوی قضات عالی‌رتبه دادگستری هجوم بردند و به تشخیص خودشان تصمیم گرفتند بعضی از مقامات عالی قضائی را از کار برکنار کنند، اعلام کردیم این عمل خطرناک است - و شما با این کار وقوفتایی را خورد خواهید کرد و باعتبار این قوه صدمه خواهید زد و بعدا خودتان صدمه خواهید خورد بفرقی که هدف شما

درست باشد وسیله غلط است، ولی بهر صورت عکس‌العمل این آبروریزیها چنان شد که قدرت اجرائی احکام و نفوذ کلام قضات عالی‌مقام آسیب پذیر گردیده و وضع اسفبار اجرای عدالت برهمه مشهود است - و من اسبقا شغل و کاری که درام میبینم حکمی از دادگاه صادر میشود و مامور اجرای دادگستری هنگام اجرای حکم دادگاه با شعارها و مقاومتها مواجه میگردد. آیا از کدام راه حرکت کردید که باین نتیجه رسیده‌اید؟

یک روز در مقاله دیگر اعلام کردیم چه‌رچه شناخته شده روحانیت حمله ننمود، این عمل خطرناک است - این راه را باز نکنید - زبان مردم را بسوی همه صاحبان این لباس باز خواهید کرد. مورد توجه مقامات مسئول قرار گرفت - و اکنون آن عده که در لباس روحانیت هستند باید راجع به نتایج این اعمال داوری کنند.

باز دیگر در اکثر سخنرانیها اعلام کردم، مردم - به چهره‌های مسئول اجرائی هجوم نبرید شتون و حیثیت قدرتهای اجرائی را حفظ کنید، گویندن چهره‌های اجرائی قانون، دستگهای اجرائی را فلج میکند، حسن اطاعت از مافوق و سلسله مراتب اداری را میبکشد و مسئولان اداری اعم از وزیران و افراد اداری آنان برش کلام را از دست خواهند داد، گوش کسی بدهکار نشد و نتیجه این رفتارها را میتوانی در برخوردهای کارآمد ادارات و دوائر دولتی با افراد بالاتر خود از نزدیک مشاهده کنید.

این بود راههای باکتر رسیده در قوه قضائیه و اجرائیه و روحانیه و اکنون نوبت خود قوه مقننه است اما اگر عمل اصفهانیا را نسبت به آقای سلامتیان امتفا کنیم همانطور که آوردن آن در صفحه تلویزیون و منحرف کردن دوربین از چهره تماشاجان ساکت به سوی کانون شاعردهندگان بهمین معنی است، بجا خواهیم رسید؟ آیا مقصود اینست که ما باید یک مجلس یکدست شبیه نظام آریامهری داشته باشیم؟ یا مجلس باید نماینگر واقعیت فرقی یک جامعه باشد؟ اگر راه اول باشد طی شود این برخلاف شعارمردمی است که گفته‌اند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و نتیجه این کردار نیز در تجربه تاریخی هنوز فراموش نشده است - و اگر راه دوم صحیح است و اقتضای نظرات نمایندگان مجلس اعم از اقلیت و اکثریت باید طبق مقررات قانون اساسی محترم شده شود - اینگونه صحنه‌سازی‌ها سرآغاز خطرناکترین حمله به مجلس شورای اسلامی خواهد بود - زیرا بسیاری از نمایندگان که (بلاتشبییه) همانند صفات باری تعالی در سمت‌های مختلف گاهی سخنران و واعظ و گاهی امام جماعت و گاهی قاضی دادگاه و گاهی متصدی امور دیگریند و بی‌تردید دارای مخالفین و موافقین هستند و اگر فرض شود احوانا بولخیبر وقت ما باشند در مقابل آنان بوجهل و بولهیبر وجود خواهد داشت و اگر قرار بر این باشد که مخالفین هر نماینده‌ای مجاز باشند زبعم خود دستهای براه انداخته و بوقایع برای ازیان اخبار و ناقلان آبرار تهیه کنند - این کار برای قدرت قانونگذاری نمره مطلوبی نخواهد داشت.

بنابیراتب بالا کارگزاران صحنه اصفهان را دوستان نادان یا دشمنان دانای مجلس‌شورای اسلامی می‌شناسم و برای حفظ حیثیت مهمترین رکن از قوای ثلاثه کشور این عمل را محکوم میدانم، و کسانی که برای حفظ یا استحکام موقعیت خود راه هنگ حیثیت دیگران را هموار میکنند ناخودآگاه خود را آسیب‌پذیر میسازند بقول شیخ اجل سعدی:

ای دوست بر جنازه دشمن جو بگذری شادی کن که بر تو همین ماجرا رود و فراموش نباید کرد که نویسنده نیز کاندیدای مقردی بوده که قریب ۵۰ هزار رای را از تهران داشته و این نوشته میتواند زبان ۵۰ هزار نفر باشد.

با احترام  
حسنت‌الله مقصدوی

صبح‌دوشنبه است در تحریریه روزنامه نشت‌هایم که تلفن زنگ میزند، صدای مضطربی از آنطرف سیم پس از آنکه مطمئن میشود با روزنامه انقلاب اسلامی صحبت میکند خود را معرفی میکند "آقا من... یک کارگرم، کارگر چاپخونه فرهنگ و هنر، به شما تلفن کردم که بلکه راهی بشونم بدید، بلکه صدای منو به گوش مسئولین مملکت برسونید. بلکه... از او می‌خواهم که آرام باشد و موضوع ناراحتی‌اش را بگوید. کمی مکث میکند بعد ادامه میدهد. راستش قضیه مربوط به پسرمه، دیروز توی مدرسه پسرمر حسانی کتک زدند اونو اونو زدند که امروز نتونست به مدرسه بره" به او می‌گویم که زیاد ناراحت نباشد در این چند روزه در بعضی مدارس از این اتفاقات افتاده است و دانش‌آموزان در بعضی موارد کتک‌کاری کرده‌اند، انشاءالله بخیر می‌گذرد. با ناراحتی می‌گوید "نخیر آقا این فرق میگردد، اینجا فقط بچه‌ها نبودند، کمیته‌ها هم ریختند توی مدرسه و بعضی‌ها رو زدند و بعضی‌ها رو گرفتند، و نورو بخدا اینرو به گوش مسئولین برسونید، پسر من جهنم، چند روز دیگه خوب میشه، اینجا حرمت درس و معلم و کلاس و..."

به خود می‌بازارم که چنین چیزی امکان ندارد انجام شده باشد. بهر زبانی او را آرام می‌کنم و قول میدهم که ساله از طرف روزنامه بگیری شود. آدرس دبیرستان را میدهد و خداحافظی میکنم.

در تاسکی که نشت‌هایم با همکارم قضایای دو سه هفته اخیر دبیرستانها را مرور میکنیم. باهمه‌تفاوت‌های که در شکل حوادث و درگیری‌ها وجود داشته است، بنظر میرسد که در همه موارد دست در کار بوده که گروههای مختلف دانش‌آموزان را بجان همدیگر بیاندازد. دانش‌آموزانی که تا پارسل با هم و در کنار هم درس می‌خواندند و بحث میکردند و عقاید همدیگر را با معصدرت تحمل میکردند، اوسال چنان بیشتان خط و خط کشی شده است که گوسکی سالها دشمن خونی یکدیگر بودند و فضای دوستی و تفاهم و رفاقت و رقابت در مدارس، جای خود را مناسفانه به محیط‌نفاق و بدگوئی و جاسوسی و زد و خورد داده است. بهرحال مشترکا" به این نتیجه می‌رسیم که خطر بسیار جدی است و مسئولین امر باید خیلی سریع و بغیرت به این امر توجه کنند.

برای آنکه در این چند روز از دست‌های مجاز خود دست‌های براه انداخته و بوقایع برای ازیان اخبار و ناقلان آبرار تهیه کنند - این کار برای قدرت قانونگذاری نمره مطلوبی نخواهد داشت.

بنابیراتب بالا کارگزاران صحنه اصفهان را دوستان نادان یا دشمنان دانای مجلس‌شورای اسلامی می‌شناسم و برای حفظ حیثیت مهمترین رکن از قوای ثلاثه کشور این عمل را محکوم میدانم، و کسانی که برای حفظ یا استحکام موقعیت خود راه هنگ حیثیت دیگران را هموار میکنند ناخودآگاه خود را آسیب‌پذیر میسازند بقول شیخ اجل سعدی:

ای دوست بر جنازه دشمن جو بگذری شادی کن که بر تو همین ماجرا رود و فراموش نباید کرد که نویسنده نیز کاندیدای مقردی بوده که قریب ۵۰ هزار رای را از تهران داشته و این نوشته میتواند زبان ۵۰ هزار نفر باشد.

با احترام  
حسنت‌الله مقصدوی

### از دبیرستان تا اولین؟!!

اوامندند... بعداز کمی جروبخت بین موافقین و مخالفین فراول‌دیوارها ادامه میدهد: "بله کمیته‌های اوامندند و ریختند توی مدرسه و رفتند سراغ اون بچه‌هایی که توی اون اتاق بودند، از اونجا اونهارو باکت و پس‌گردنی... بازم همه‌میشه عده- ای اعتراض‌کنان میگویند کدروغه، کمیته‌ای هاگس‌رو کتک زدند، جروبخت بالا میگردد، حالا دیگر همه دور ما جمع شده‌اند و هرکس مطلبی را فریاد میزند، یکنفر که بعدا" معلوم میشود مسئول امور تربیتی دبیرستان است از مدرسه بیرون میاید و بعداز اینکه کارت مارا میبیند ازین می‌خواهد که فعلا" مصاحبه را تعطیل کنیم و برای مصاحبه بجای دیگری برویم، از بچه‌ها سراغ مدیر دبیرستان را میگیریم، میگویند "رفته کمیته برای کار زندانی‌ها صحبت بکنه". آدرس کمیته را میپرسیم میگویند "کمیته منطقه ۱۰ میدان خراسان"

از دبیرستان که دورمیشوم یکی از بچه‌ها خودش را میامیرساند و میگوید: "آقا بخدا دیروز کمیته‌ها بچه‌ها رو کتک زدند، دفعه اول که اوامندند ۱۰ نفر رو بردند، دفعه دوم اوامندند هشت لیست، پنج نفر دیگرو گرفتند، تا امروز صبح هنوز فریاد آزاد کردند، الان هفت نفر دیگه توی کمیته هستند، حال یکیشون خیلی بدیه، تاحالا چند بازی می‌کنند کنکش زدند" به همکارم نگاه میکنم، اوهم مثل من این حرفها را باور نکرده، آخر مگر ممکن است کمیته انقلاب چنین کاری بکنه، تازه حمله به مدرسه‌اش باورکردنی نیست چه رسد به تک‌زدن شاگردهای مدرسه.

نزدیک میدان خراسان شده‌ام دوفر دیگر از بچه‌ها جلو راهمان سبز میشوند و میگویند حرفهای ما را دارند، یکی از آنها خودش را معرفی میکند و می‌گوید: "اگه به شما گفتند که از کمیته کسی رو کتک زدند باور نکنید" ته دلانم فرخ میشود، او ادامه میدهد "البته افراد کمیته داخل مدرسه اوامند ولی کسی رو کتک نزنند و بعضی‌ها هم اگه دیدید مجروح شده باشند خودتون، سزتون رو به دیوار زدند تا زخمی بشند و مظلوم نمایی کنید."

از ماموری که جلو درگمیته کارتمان را نگاه میکند میپرسم: "اینجا که محل کمیته است چرا تايلو" دایره امربعروف و نهبی از منکر" داره؟ کسی نگاه میکنه- می‌گوید: هر دو تا می‌هستند، "میپرسم "شاگردها کجا هستند؟" آدرس طبقه بالا را میدهد می‌گوید بروید پیش رئیس کمیته.

داخل اتاق سرپرستی، عده‌ای دورتا دور نشسته‌اند. یک نفر هم دارد با حاج آقا علم‌الهدی رئیس کمیته صحبت میکند. سلام میکنیم و خودمان را معرفی میکنیم و از حاج آقا از وضع محل‌های دستگیر شده می‌پرسم. ایشان جواب میدهند که "عده‌ای آزاد شده‌اند و بعضی بقیه برورنده درست شده که به دادگاه انقلاب معرفی میشوند و دیگر به ماربوط نیستند."

صحت به این جا که می‌رسد شخصی که بقل دست ما ایستاده است "باحاج آقا علم‌الهدی صحبت میکرد، وسط حرف می‌دود و می‌گوید: "حاج آقا، ما اصلا" نباید به اینجا جواب بدم. اینجا مال انقلاب اسلامی‌اند، ضدانقلابند، همش دروغ می‌نویسند می‌گویند! کجا قاعلم‌الهدی بانوگ دادن سرتايند میکنند ومی‌گویند "بله ما با شما مصاحبه نمی‌کنیم، بر دارید و زودتر بروید. توی روزنامه‌تان هم بنویسید که کمیته ده با ما مصاحبه نکرد" یکی دوفر دیگر هم قاطی قضیه میشوند و تصدیق میکنند. آن نفر اول که بپلوی ما ایستاده، همچنان داد سخن میدهد: "اصلا" شما ضدانقلابید، از جون ماها چی می‌خواهید، همش دارید توطئه میکنیدهمه اینکارها زیرسر دفتر رئیس جمهوره و... اسم و وظیفه‌اش را در کمیته می‌پرسم. اولاً" نمی‌گوید بعد گویا برگ غیرت‌ش

برمیخورد و پاشامت می‌گوید: "جواد... مسئول نظامی کمیته منطقه ۱۰" قضایا کم کم دارد نداشتم. تصورش را هم نمی‌کردیم که به این سادگی آنهم از طرف مرجعی که باید حافظ حقوق و جان و مال مردم باشد، چنین مورد بی‌مه‌ری قرار بگیریم. به روی خودمان نمی‌آوریم. نشنیده ضعیف اعصاب می‌گذاریم. سرما را زیر می‌اندازیم که بیرون بیایم ولی "جوادآقا" ول کن قضیه نیست.

شروع به تهدید کردن میکند و فریاد میکند "بالاخره خودم میام و روزنامه‌تون رو به آتیش می‌کشم. خودم هم نیام، بچه‌ها رو می‌فرستم! ما شهید شدیم شما عزیزان بااید و با این روزنامه توطئه کنید. خودم آتیش می‌زنم" ضبط را روشن میکند و همین‌طور که "جوادآقا" داد می‌زند وحش می‌دهد، با هم از اتاق بیرون می‌رویم. تهدیدهایش را ضبط میکنم. سربلها که می‌رسیم وقتی می‌بینم صحبت‌هایش دارد ضبط میشود با خشونت ضبط و یادداشت‌هایم را از دستم میکشد و بی‌فهم را می‌گیرد.

حالا دیگر آنچه را که می‌نشدیم باور نمی‌کردم، باید باور کنم! بهانه‌دگری باقی نمانده است به هیچ ترتیب هم نمی‌شود توجیه و تفسیرش کرد. آخر وقتی مسئول امور نظامی کمیته با یک خبرنگار کسی که حتی در جبهه جنگ هم مصونیت دارد، کسی که باید چشم و گوش جامعه باشد، کسی که به کمیته نه بعنوان منتهم آمده و بعدا بعنوان مجرم فقط آمده که یک سوال پرسد، کسی که... چنین رفتاری داشته باشد، خداوند فریاد آتیهایی برسد که برایشان بهانه شرعی و قانونی هم فراهم است، بهرحال "جوادآقا" مارا باوقفت و فریاد به محوطه‌ای گهرازال ماندند که آنهم تابلوگمیته دارد می‌برد. چند نفر دیگر هم دورما را می‌گیرند.

در گوشه‌ای از محل، یک نفر دارد از نوجوانی با پشت و لگد و پس‌گردنی پذیرایی میکند. یادان شاگردی می‌افتم که سرش را به دیوار می‌زد، تا مظلوم نمایی کند "جوادآقا" توار را از ضبط بیرون می‌آورد، یادداشت‌ها را پاره میکند و ضبط را پس می‌دهد به "جوادآقا" می‌گویم که توار جز" اموال روزنامه‌است یا خودش را پس‌بده و یا یکرسیددر مقابل توفیقش بده، می‌فرساید می‌کشد که کدام اموال؟ روزنامه را مردم پولش را داده‌اند بنی‌صدر که از... پدرش نیاروده‌است! آ فریاد می‌زند و اعتراض میکندمشت حواله حواله بنده میشود چند نفر دیگر هم گوسکی کسه بکس مجانی گیر آورده باشند به جوادآقا کمک میکنند. یکنفر می‌گوید "اجازه بده جوادآقا" منکه مال کمیته نیست! خودم تنهایی حسابشومی‌رسم "واضح نگذردم یکنفر هم آنجا، بقیه رازا بیابکارها منع میکرد و مرتب میگفت "اینکارها را نکنید صحیح نیست"

بالکد و پس‌گردنی از کمیته بیرون انداخته می‌شوم. جعدتا از شاگردان بیرون درگمیته، منتظر ایستاده‌اند، جلومیدود و بنا را حتی ماجرا می‌پرسند می‌گویم که چیز مهمی نبوده، شما با ما نیاید ممکن است برایتان دردسر درست شود اجدتقدمی که دور می‌نویم همکارم می‌پرسد "راستی کسی کسانیا کمیته‌ها را تصدیق می‌کنند؟" جواب نمی‌دهم فقط این جمله امام درتظرم جان می‌گیرد. "کاری کرده‌بودند که یک نفر می‌رسد برای کارم موعولی هم با کلاتری بود بعد ازظهر یکنفر بیروزنامه تلفن می‌کند وسراغ می‌گیرد. صدایم را که می‌شنود می‌گوید که یکی از شاگردهای دبیرستان ابورحان است که صبح با او مصاحبه کرده‌ام می‌پرسم خبر ترازهای شده‌است؟ می‌گوید "ستازا بچه‌ها رو بردند" اوین" بقیه‌رو هم" ول کردند.

محمد سهیل

### احمد سلامتیان:

### مطمئن هستیم و میدانم که مردم اصفهان اهل کوفه نیستند

بدنبال راهبیمانی من برای ادامه خدمت دیروز در اصفهان و بسته شدن بازار اصفهان در پیشانی‌ها احمد سلامتیان نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی و اینکه شایع کرده بودند امروز نیز قرار است در برخی مناطق اعتصاب و راهبیمانی و تعطیل کار بهمین عنوان اجرا شود، احمد سلامتیان با انتشار بیانه‌ای ضمن تشکر از مردم اصفهان خواست تا از این کارها خودداری شود. وی اضافه کرد متن روز به وسایل مختلف حمایت خود را از این اقدام نامیده‌شان ابراز می‌خواهم به فرما امام گردن نهم و به هیچ تحریکی پاسخ عکس‌العملی ندهیم. اینجانب راهی نیستیم بعنوان حمایت از من راهبیمانی و یا اعتصاب کنیم. یکپارچه شما مطمئن هستم و میدانم مردم اصفهان اهل کوفه نیستند و لذا بار دیگر از همه می‌خواهم سا حفظ خسوردی کامل از دست نزنم و به هر عملی که بهانه بدست تنظیم کنندگان اصلی برنامه‌های این چند روزه بدهد، خود - داری کنند.

اللهم خیر الحاکمین

### اجتماع به پشتیبانی از احمد سلامتیان نماینده مردم اصفهان

شایعه، جوسازی برای امت‌دیگر اثر ندارد، به گفته خمینی حمایت از روحانی، حمایت از اسلام است، حق پیروزی است، توطئه‌گر، شایعه‌ساز دروغ‌پرداز نابود است امانت رای ما، بدست روحانیون، محفوظ باید

لازم به تذکر است که قطعنامه این راهبیمانی که در سمنطقه حوزه علمیه، وسط بازار و انتهای بازار قرائت شد توسط اجتماع کنندگان مورد تأیید قرار گرفت.

۱- قطعنامه چنین است: ما باناکیسد مجدد برتحکم میثاق خود با امام امت رهبر عالیقدر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کامل خویش را از مراجع عظام روحانیت اصیل حوزه‌های علمیه و اصل ولایت فقیه اعلام داشته توطئه‌های شایعه‌سازان و ضدانقلاب را که سبب تضعیف روحانیت بشوند محکوم می‌نماییم.

۲- ما در این موقعیت حساس جنگ با باکتر بعثی و درگیری با ابرقدرتهای شرق و غرب وحدت روحانیت و نماینده هورق خود را ضروری میدانیم.

۳- بنابه گفته امام که میزان‌رای ملت است به تظاهرات آرام زده و ساز و دروغ‌پردازی را که

باعث بی‌احترامی به رای مردم و تشییع شکرای اسلامی می‌شود محکوم کرده و پشتیبانی خود را از دکتر احمد سلامتیان نماینده هورق خود اعلام میداریم. ۴- ماضن تأکید بر حفظ دست‌آورد‌های انقلاب اسلامی دفاع از نمره خون شهیدان یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی رواقیقه شرعی خود دانسته و از ریاست جمهوری وظایف مرمحدر توسط اجتماع کنندگان قانون اساسی جهنم‌ترازی آن قاطعانه عمل کرده و قانون شکنان را معرفی نمائند.

۵- داخرفیها، شایعه‌سازها و دروغ‌پردازهای عده‌ای ناآگاه را که رادیو و تلویزیون در باعث برهم زدن وحدت اسلامی مردم بخصوص در این موقعیت حساس جنگ میگردد محکوم می‌نماییم.

۶- از علمای حوزه علمیه اصفهان و در راس آنها حضرت آیت‌الله خادمی خواستاریم ندای برحق ما را مبنی بر - پشتیبانی بی‌دریغ از روحانیت و نماینده هورق خود دکتر سیداحمد سلامتیان به اطلاع امام امت برسند و منتظر راهنمایی‌هایشان هستیم، در پایان تظاهر کنندگان از مدرسه علمیه صدر نا

### توضیحات سید حسین خمینی درباره پاسخ رئیس جمهور

صبح دیروز دفتر امام طی تماس تلفنی با روزنامه انقلاب اسلامی توضیحاتی حاج سیدحسین خمینی را در مورد پاسخ آقای بنی‌صدر به ایشان در اختیار ما قرار داد. لازم به تذکر است که متناقضه بعثت آنکه زمانی که توضیحات ایشان بطور کامل بدست ما رسید روزنامه زیرچاپ بود موفق نشدیم آنرا در شماره دیروز درج نماییم، در زیر توجه خوانندگان عزیز را به توضیحات ایشان جلب مینماییم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم  
آنانجا که در نامه جناب آقای رئیس جمهور بعضی از مسائل ممکن بود مهم باشد و سئوال‌برانگیز و همچنین در رابطه با آن عده زیادی از مردم در برخورد با اینجانب سئوال‌هایی مطرح می‌کردند، بنا براین لازم دیده شد تا بعضی از توضیحات برای مردم داده شود. اما مقدما باید بگوئیم که غرض از مصاحبه اینجانب هرگز تصدیق ریاست جمهوری نبوده زیرا از وظیفه شرعی که می‌گذردم از لحاظ عاطفی نیز به خود اجازه چنین عملی را نمیدهم بلکه خدا را گواه میگیرم که فقط و فقط خاطر آن بود که یک احساس خطر می‌شود تا ریاست جمهوری را از رهبری دور کنند و فاجعه‌ای بزرگ بوجود آورند و این را شخص رئیس جمهور نیز احساس کرده است و مسئله این است که عده‌ای ضد انقلاب و مفسده‌جو از عواطف مردم نسبت به رئیس جمهور سوء استفاده بکنند و آنرا به کاتالهای نافرمانی بکشاند و بدین لحاظ بعضی از حرفها زده شد تا برخی از توطئه‌ها معلوم شود و امیدواریم که از این صحبتها فقط در راه اصلاح استفاده شود و باز همان عده مفسده‌جو آنرا جهت منافع کثیف خود بکار نگیرند اما می‌پردازیم به اصل مطلب که نامه ریاست جمهوری باشد:

۱- ایشان اظهار داشتند که مسئله فکری است که بر من لاقا" شده است باید بگویم که بفرض درست باشد برای ایشان بیشتر از احتمال نمیتواند باشد زیرا احتمال آن می‌رود که شخصی براساس فهم و عقیده خود آن مسائل را مطرح کند و این باعث تعجب است که ایشان اینطور قاطعانه یک طرفه احتضار گرفته‌اند.

۲- در مورد مسئله فعل و انفعالات تهران که ایشان مطرح کرده‌اند باید بگویم اینرا منمهم تا اندازهای قبول کرده ام و بخاطر همین هم مصاحبه کردم تا خدایی‌ناکرده دستهای امروز بیشتر از این نتوانند ناشاخته بمانند و یا سوء استفاده از نام

صحتها غیراز باصراحت حرف زدن در نزد امام میباشد و فکر میکنم این امر برای هرکسی روشن باشد و آقای بنی‌صدر اشاره به آقایان قطب زاده یزدی کرده‌اند باید گفت غرض من مخالفت با آقای یزدی و قطب‌زاده و دیگران نبوده است بلکه از این دسته‌بندی تعجب کرده‌ام که بعضی از مسائل از آن استنشام میشود لذا روشن شدن آن لازم بود.

۳- مسئله دیگری که آقای بنی‌صدر بدان اشاره کرده اند توطئه گرفتن فرماندهی کل قوا بوده است بفرض صحت آن راستی هم در چند مورد باید توضیحاتی بدهم زیرا درخوزستان این مسئله را لمس کرده‌ام که آقای بنی‌صدر قدرت فرماندهی نیروهای مسلح را بخوبی دارنند اما خدا را شکر میکنم که چنین توطئه‌هایی با آگاهی هرچه بیشتر امام نقش بر آب میشود.

۴- جناب آقای بنی‌صدر خود این مطلب را که از امام چه محروم باشند و این مخالفتی بارهبری باشد چه فاجعه‌ای بوجود خواهد آمد خوب میدانند و در نامه ایشان اینرا به وضوح می‌ایبام و امیدواریم خود ایشان با توجه به رهنمودهای امام مانع آن شوند، یک هدف از مصاحبه نیز همین بوده که مراتب با همی‌گروه‌های خطرناک ضد رهبری نتوانند ریاست جمهوری را بهمان روز که خود آقای بنی‌صدر تصور را میکنند بنیاداز والبنه امیدواریم تمام مسائل یا دست خود رئیس جمهور و قطع شدن دست خیانکاران حل شود و یقین داریم که انقلاب عظیم ما خیلی عمیق‌تر از آن است که بوسیله این دسته بدبنا و جبهه‌گرفتنها ضربه بخورد و یا چنین بگویم‌گوهائی که این انقلاب را از بین ببرد. و از همه درد خوارمندم که این گفت‌ها را می‌نویسد، یک نگینند بلکه همان توضیحات بداندن تا جامعه ما بیشتر از این طاعت طولانی شدن گفتگوهای که که جنبه در وجه‌اداشته‌باندن ندارد و از خداوند منان سئود داریم که هرچه زودتر مارا به صراط مستقیم خود هدایت فرماید و مطمئن هم هستیم که اگر برای او عمل خداوند مارا باری خواهد کرد و به انتظار باری وفرج حق.

سیدحسین خمینی  
۱۳۵۹/۹/۱۶

برای ما بنویسید:  
از شهرداری تهران چه انتظاری دارید؟  
و برای خود. در مقابل شهر تهران  
و شهروندان تهرانی چه وظیفه‌ای  
قائل میشوید؟  
روابط عمومی شهرداری تهران

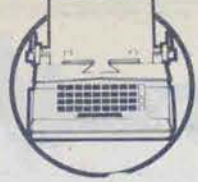












**بنام خدا**

ظهر پنجشنبه بود که با هوایابی هرکولس نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تهران را بقصد جبهه‌های نبرد جنوب ترک گفتم. میرفتم تا از نزدیک بار دیگر شاهد حماسه فریبندهای فرزندان خلف این مرز و بوم باشم. تا شاهد باشم که چگونه ملت با ایثار جان، از میهن اسلامی خویش دفاع میکنند و چگونه با خون خود نوبان انقلاب اسلامی را آبیاری میکنند. تا ببینم حماسه هایشان را و نبردشان را درصحنه حق و باطل، تا کشتن و کشته شدن را در جنگ ملتی که نشانگانش استقلال است یاد دلتی که دست نشاندگان جهانخواران، بنطاق جنگ زده میرفتم تا بار دیگر نظاره‌گر دردها ورنج‌های مردم جنگ زده باشم که ایسان خود اسنادی هستند گویا از جنایات رژیم کثیف صدام. میرفتم تا بار دیگر ثمرات شوم حملات هوایی و زمینی دشمن را ببینم. تا بار دیگر شاهد چهره‌های خندان و مصمم مردم جنوب باشم، این مردمانی که هنوز غبار رژیم کثیف پهلوی از چهره نرسوده و خود را درابگوش انقلاب نشسته بودند که باران راکت‌ها و گلوله‌های خمسه خمسه دشمن برسروپوشان باریدن گرفت.

میرفتم تا باز در جمع مردم پرخروش ذوق‌فول و اهواز و آبادان حاضر شوم، تا باز آن شاعرهای توفند- شائرا ضبط کنم که "مگر صدام در خواب ببیند که ملت ما شکست خورده‌اند، "s" حتی تا آخرین نفرمان خواهیم جنگید"

سلام بر مردم ذوق‌فول و اهواز و آبادان و سوسنگرد و اندیمشک و... و همه مردم جنوب و همه مردم قهرمان ایران.

**مهدی عدالت**

صبح هنگام از یکی از شهرهای خوزستان دیدن کردم در بین مردم رقص و از دور نظاره‌گرشان شدم با چهره‌های سوخته از آفتاب تابستان شهر تقریباً چهره عادی خود را باز یافته بود نمازها باز مردم به کسب و کار مشغول بودند. گوئی جنگ دیگر عادی شده بود. و مردم بیش از پیش بدیرفته بودند که باید جنگید تا پیروز شد. برای چه‌ها نیز جنگ بصورت تفریح درآمده بود. من که بالباس نظامی در شهر رفت و آمد میکردم و مردم فکر میکردند که رزمندهای هستم هم‌ما با گرمی روبرو میشدم و جالب اینکه جبهه‌های شهر بدمر حلقه میزدند و از من طلب پوکه\* فشنگ میکردند. شاید میخواستند با جمع آوری پوکه‌های رزمندگانمان خاطره این حماسه‌ها را به نسل بعد از خود منتقل کنند.

روبرو شدم داستان کمک مردم به رزمندگان را بچشم دیدم. میدیدم چگونه نانکهای ما را مردم آماده‌بار نبرد میکردند. میدیدم چگونه مردم از گوشه‌وکنار کشور کار و زندگی و خانواده خود را رها کرده و به جبهه‌های جنگ آمده‌اند تا شاید کنگی به ارتش برسدند ما باشند. در همین یادگان با رانندگان نواحی مختلف شهرداری تهران آشنا شدم تعداد شان ۱۰ نفر بود که همگی داوطلبانه به جبهه آمده بودند و کارشان این بود که باتانک‌های خود آب برای رزمندگان خط مقدم جبهه ببرند. اینها باید ماهی بکوبند عوض شوند تا فرصت ایثار و فداکاری و کمک برای دیگران نیز باقی باشد. ایسان در یک اطاق سه درجه‌ای نیمه گاره بدون برق و با کمترین وسائل زندگی بسر میبرد و نه تنها روحیشان پائین نیست بلکه عامل بالا رفتن روحیه دیگر پرسنل ارتش نیز میباشند. سرپرست این آکیپ که جعفر انصاری نام داشت مدت ۶۰ روز بود که در آن جبهه مانده بود و حاضر نمیشد که عوض شود و او که دو نفر از نزدیکترین کمانش در همین جنگ به شرف شهادت نائل شده‌اند میگفت ما حاضریم اگر حتی با حقوق هم ندهند اینجا بمانیم و کمک کنیم او با وجودیکه شهید داده بود بسیار پشاشی و سرزنده بود.

آری انسان از دیدن ایهمه ایثار و فداکاری به وجد می‌آید و امیدوار به پیروزی.

در یکی از جبهه‌ها فرصتی پیش آمد تا با سرکار سرهنگ علی غفوری مدیر پشتیبانی فنی هوایی هوانیروز آشنا شوم. مردی سخت گوش و آگاه و با درایت بود. او که برای تعداد فنی واحدهای هوانیروز به تمام جبهه‌ها سفر میکرد، حاضر شد تا در مصاحبه‌ای بیک سؤال ما جواب گوید.

**ایرانشان سؤال کردم، همانطوریکه میدانید** خواننده‌های آقای رئیس جمهوری در یکی از گزرهاش روزانه خود اظهار کرده بودند واحدهای هوانیروز چون دخالت کمتری در آنها شده بود دست نخورده باقی‌مانده و نتوانستند دخیلی زود در این نبرد وارد شوند. اگر ممکن است توضیح بدهید منظور از اینکه این واحد دست نخورده مانده چیست؟

سرهنگ غفوری که از قضا سخن زیاد داشت خیلی خلاصه درباره این سؤال توضیحاتی بدین شرح داد:

هوانیروز یک واحد هوایی جدیدالتاسیس است کار این واحد تربیت خلبان، تربیت کادرفنی، تدارک و خرید هلی‌کوپتر است.

و طبقه ما افسران در سطح پایگاه آموزش دادن و آموزش گرفتن بود و همانطوریکه میدانید آموزش آمریکایی-ها یعنی مستشاران آمریکایی که حدود چهار هزار نفر بودند ما میدادند.

با توجه به اینکه آمریکایی‌ها حاضر نبودند دانش و تخصص خود را در اختیار ما قرار دهند حال چگونگی جبهه‌های هوانیروز توانستند تخصص کسب کنند خود داستانی است.

این پرسنل با قبول خفت و خواری وزیر دست شدن توانستند از آمریکاییان که در صورت یسان دادن حیات سیاسی و اقتصادی‌شان را در خطر میدیدند دانش آنها را فرا گیرند. زیرا احساس میکردند مللکشان ایتر می‌خواهد، من بارها شاهد بودم که یک ایرانی و یک آمریکایی اگر فرضاً میخواستند بدقتی یک فرمانده ایرانی وارد شوند. آن فرمانده تمام احتیاطات را برای آن آمریکایی ادا میکرد ولی ایرانی را حتی داخل دفترش هم راه نمیداد.

این همه را پرسنل ما بجان خریدند تا تخصص آنها را فرا گیرند. زیرا میدانستند که اینها از سرمایه ملی است و یک هدف داشتند آنهم خدمت بایسن مللک بود.

انقلاب شد و پرسنل چون به خود اعتماد داشتند، چون میدانستند اگر آمریکایی‌ها از ایران بروند کار نماندند و خواهند رفت. معتقد به سوسیالسمی رژیم قبل بودند به مردم پیوستند. و تنها واحدی که وقتی آمریکایی‌ها رفتند توانست کار را پیش ببرد همین هوانیروز بود.

پرسنل اعم از خلبان و کادرفنی بلافاصله بکار جسیبند. اما متأسفانه پرسنلی که با گرمی و شور فراوان کار میکردند با مشکلات زیادی مواجه میشدند،

یکی می‌آمد میگفت خانه مرا آتش زده‌اند. دیگری میگفت بچه‌های منو میزدند. آن دیگری میگفت مرا از خانه بیرون کرده‌اند و یا اینکه بقالی بمن جنسی نمیفروشد.

اما باز پرسنل تحمل میکردند چون میدانستند بهر حال روزی مللکت باین سرمایه خود احتیاج پیدا میکند. من میدانستم این پرسنل مسلمان و با ایمان و وطن‌دوست هستند ولی دست‌هایی بود که نمیکشادند اینها کار کنند. بادم می‌آید روزی که قرار بود همه به سمت پاره حرکت کنند، دو نفر مسلح آمدند در دفتر کار من با وجودیکه تعدادی از پرسنل نشسته بودند با ما چنان رفتار غیرانسانی و زننده‌ای کردند که یکی از درجه‌داران عصبانی شد و گفت چرا اجازه میدهند که ما را اینقدر تحقیر کنند، مگر ما چه جنایتی کرده‌ایم با تمام این تفاسیل این خبرها را تحمل کردیم زیرا وطنان را دوست میداشتیم، اسلام را دوست میداشتیم، بخدا معتقد بودیم. صبر کردیم و تحمل کردیم و بجان خریدیم تا توانستیم این هوانیروز را ننگ داریم. درحالیکه به پرسنل اینگونه ضربه میزدند، اینها در عرض می‌آمدند میگفتند "ملا" فلان "کبری" را تعمیر کردیم. یا فلان چیز را خودمان ساختیم. هرچه همین بیشتر، فعالیت بیشتر. وقتی آمریکایی‌ها رفتند ۵۰ درصد وسایل ما کار نمیکرد، ۵ ماه بعد از پیروزی انقلاب ۸۵ درصد وسایل ما آماده بکار بود و برای مثال در اسفند ماه ۵۸ در سیل خوزستان اولین واحدی که وارد عمل شد هوانیروز بود. این واحد با وارد عمل کردن قریب به ۳۰ فرزند هلی‌کوپتر بیکم مردم سیل‌زده شادقت.

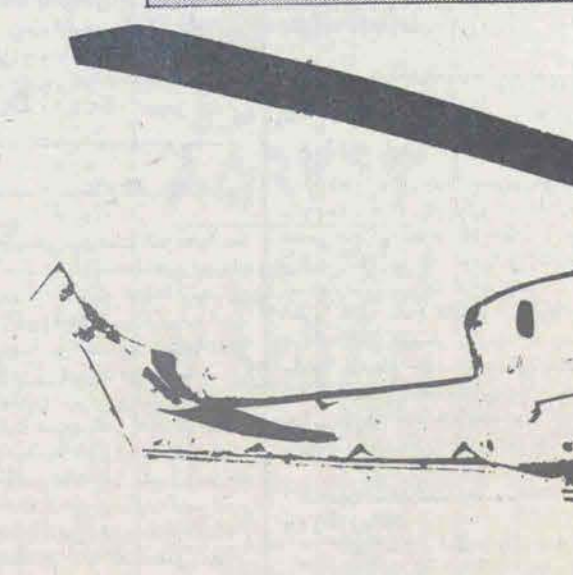
در این جنگ نیز خلبانان برآستی حماسه آفریدند. من خود در مسجد لیمان بودم و خلبانی، دیدم خیلی ناراحت است، گفتم چه شده، گفت هلی‌کوپتر مرا زده‌اند، گفتم چه اشکالی دارد خود که زنده مانده‌ای، گفت نه من باید کساری بکنم، الان یک هلی‌کوپتر بدهید تا من بروم، گفتم الان ساعت ۶ بعدازظهر است و آفتاب غروب کرده

**برای اولین بار در دنیا است که هوانیروز دشمن وارد میکند**

میخزد، بلند میشود و شکار میکند و تنها حساب غلطی که دشمن میکرد همین "کبری" هابود. چون برای اولین بار در دنیا است که این هلی‌کوپترها چنین ضربه‌های هولناکی را به تانک‌ها و وسایل زرهی دشمن میزدند.

مسئله دیگر اینکه الان نیروهای عراقی زحمت زیادی میکنند تا خودشان را از هلی‌کوپترهای ما محافظت کنند برای اینکه حفاظت از هلی‌کوپتر کار مشکلی است و مشکلات از هواپیماست زیرا برای محافظت از هواپیما یک ضدهوایی کفایت میکند ولی هلی‌کوپتر را نمیتوان محافظت کرد، عراقیها حتی در دره‌ها و رودخانه‌ها پنهان نفر میکنند تا اگر هلی‌کوپتر از آنجا عبور کرد آنرا شکار کنند بطوریکه دشمن خسارت زیادی دیده و روحیه‌اش واقعا\* پائین آمده است.

**گزارشی از سفر خوزستان**



**حماسه رزم هوانیروز**

تو که نمیتوانی بروی، خدا شاهد است ۳ ساعت تمام نشست در دفتر من و گریه کرد که چرا بمن هلی‌کوپتر نمیدهید که من نامش بروم. این نامش غیر از حماسه چیست؟ خلبان رفته از خط آتش دشمن گذشته خسارت وارد آورده، خودش را بخاطر انداخته از مرگ حتی هم نجات پیدا کرده تازه نشسته و گریه میکند که باز بمن هلی‌کوپتر بدهید تا مجددا\* بروم و ضربه بزنم. بله این بود جریان سرباز نگاه داشتن هوانیروز، نه اینکه دخالت نمیشد، چرا میشه، زیاد هم میشه، بعضا\* از طرف خود پرسنل فرصت طلب هم دخالت‌هایی میشد اما ما میشدیم و دم بر نمی‌آوردیم چون میدانستیم مخالفت با این اعمال مساوی با انحلال این واحد و یا تصفیه\* عناصر فعال و پاک آن که هر دو به ضرر این مللک و این ملت است میشد. اکنون نیز خود شاهد هستید که این جانبازان چگونه وارد عمل میشوند. ما الان ثمره\* آن تحمل و استقامت در مقابل دخالت‌های ناروا را می‌بینیم و خوشحال هم هستیم.

در یکی دیگر از جبهه‌های جنگ با برادران هوانیروز مصاحبه‌ای داشتم که در زیر می‌خوانید. این برادران سرگرد خلبان ایرج اطراقچی، سروان خلبان غلامحسین برتوی و سروان خلبان جمشید درخشان نام داشتند.

**سؤال:** درباره اقدامات درون مرزی و بیرون مرزی که شما در این جبهه انجام داده‌اید توضیح بدهید.

سروان برتوی: کار بیرون مرزی شامل حال ما نشده است زیرا عراقیها اینجا مستقر شده بودند که ما باین جبهه آمدیم ما بآن نحو عمل توانستیم بکنیم. تنها کوششی که ما کردیم یک مقدار جلگوری از جابجایی نیروهای دشمن بود، چون آن نیروها

**همینکه تانک‌های عراقی از زمین خارج میشود مورد شکار هلی‌کوپترهای ما قرار میگیرند**

مدتی که در خط میاند فرسوده میشوند و باید عوض شوند، بهترین موقع برای شکارشان زمانی است که خودروهای آنها روی جاده باشند یا اینکه تانک‌هایشان از بنهاگه بیرون می‌آیند. در اینموقع است که مورد تهاجم جبهه‌های ما قرار میگیرند و جبهه‌ها هم خوب عمل میکنند و موفق هم بوده‌اند. البته بعضی مواقع هم بعلت بدی هوا و دید کم قادر به عملیات نیستیم زیرا با این برنده‌ها باید فاصله‌ای تا هدف که استاندارد هست قابل دید باشد ولی روی هم رفته ما راضی هستیم و توانستیم تا آنجا که مقدور بوده و صدمه‌های هم به وسایلمان نرسد با جان و دل برای مللک و برای میهنان کار مثبتی انجام بدهیم و توانستیم چند تانک تعدادی از جادریهای تجمع و مهمات، تعدادی تفنگ برزخی را به منهدم کنیم. تلفاتی هم بدشمن توانستیم وارد سازیم که تعداد آنها مشخص نیست.

مهمترین مسئله‌ای که میتوان گفت اینستکه این

تهاوت و جسارت بیش از حد، که خلبانها داشتند با کسک پرسنل فنی و همکاری مقامات مسئول و فرماندهان‌شان و پشتیبانی بیدریغ مردم درهم آمیخته و حماسه آفرید.

سروان درخشان - اصولا\* طرز استفاده هوا-نیروز باین طریق یعنی هوانیروز بعنوان هلی‌کوپتر سلاحی که در مقابل تانک بکار میرود اولین مرتبه در دنیا است، چون معمولاً هلی‌کوپتر بر ضد نفر بکار میرود و در دنیا باین صورت امتحانی در صحنه نبرد نداده بود و عراق هم شاید روی هلی‌کوپترهای "کبری" ما حساب نکرده بود، که اینقدر کارآیی و بهره میدهند، چون هیچگونه پیشگیری در مقابل هلی‌کوپتر میسر نیست. چون هلی‌کوپتر مثل یک نفر

**چنین ضربه‌های هولناکی را به تانک‌های دشمن وارد میکند**

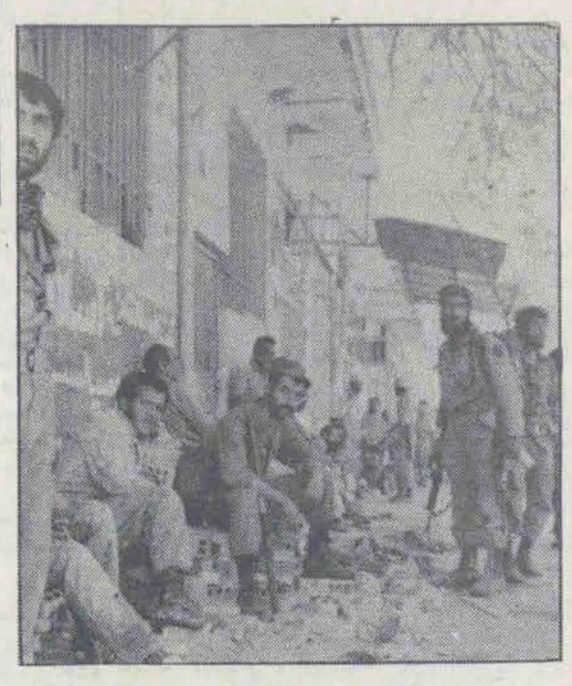
بلند میشود و شکار میکند و تنها حساب غلطی که دشمن میکرد همین "کبری" هابود. چون برای اولین بار در دنیا است که این هلی‌کوپترها چنین ضربه‌های هولناکی را به تانک‌ها و وسایل زرهی دشمن میزدند.

مسئله دیگر اینکه الان نیروهای عراقی زحمت زیادی میکنند تا خودشان را از هلی‌کوپترهای ما محافظت کنند برای اینکه حفاظت از هلی‌کوپتر کار مشکلی است و مشکلات از هواپیماست زیرا برای محافظت از هواپیما یک ضدهوایی کفایت میکند ولی هلی‌کوپتر را نمیتوان محافظت کرد، عراقیها حتی در دره‌ها و رودخانه‌ها پنهان نفر میکنند تا اگر هلی‌کوپتر از آنجا عبور کرد آنرا شکار کنند بطوریکه دشمن خسارت زیادی دیده و روحیه‌اش واقعا\* پائین آمده است.

**سؤال -** رادیو تلویزیون چگونه میتواند در بالا بردن روحیه پرسنل اثر بگذارد

سروان برتوی - بهر حال باید برای انسان وسیله تفریحی وجود داشته باشد تا با دیدن چند صحنه جالب خستگی خود را رفع کند که این بصورت عرف و عادت شده است ولی متأسفانه هیچ برنامه نیست یعنی انسان وقتی از جبهه برمیگردد همان خستگی را با خود به رختخواب میبرد و خستگی مدام است همانطوریکه خودتان هم دیدید دیشب برای دیدن یک فیلم چقدر معطل شدید با وجود اینکه کارمان هم زیاد بود. من بدین دلیل بوده‌است که بیک شکلی می‌خواهیم خستگی خود را رفع کنیم. صد درصد اگر تلویزیون برنامه خوبی داشته باشد کمک شایانی می‌تواند بکند. من شخصا\* مدت‌هاست که نه تلویزیون میگیرم نه رادیو چرا باید اینچور باشد. منکه هیچ برنامه تفریحی ندارم چرا نباید از رادیو تلویزیون مللکت خود استفاده کنم.

**اگر کسی در ارتش مانده است هدفش خدمت بوطن و انقلاب است**



**سؤال -** میدانم که قبالا\* عراق جرات نزدیک شدن به مرزهای ما را نداشت به نظر شما چه عاملی باعث شده است که عراق جرات کرده و داخل خاک ایران بیاید.

سروان درخشان - ما باین کارآیی را داشتیم و فقط حفظ کردیم. البته واضح است وقتیکه این قبیل مسائل پیش می‌آید واقعا\* قواپشان چندین برابر میشود و الان هم یک همچو چیزی است و می‌توان درک کرد که کارآیی پرسنل تهاجه‌اندازه بالا رفتا هستی و

**سؤال -** در جبهه‌های آجا وحدت فرماندهی و هماهنگی بین رزمندگان وجود دارد یا خیر؟

سرگرد اطراقچی - مسئله مهمی که باید تذکر دهم اینستکه باید بیش از پیش این ارتش و پاسداران و کلا تمام رزمندگان وحدت ایجاد شود. بطوریکه

**سؤال -** کک مردم باین جبهه در چه سطحی است و چه اثری در روحیه پرسنل رزمنده دارد و کلا\* شما از مردم چه توقعی دارید؟

سروان برتوی - مردم واقعا\* بی‌ریا کمک میکنند و با این کمکها بوده که خلبانان ما توانستند با عملیات مشهورانه خود دنیا را تکان دهند. اما انتظار ما از مردم اینستکه آگاه‌تر از آنکه فکر میکنند باشند حقیقت را لمس کنند. ببینند این ارتش چه بوده، چه شده و چه کار دارد میکنند من در روز با یکی از دوستانم که از جبهه بازگشته بود صحبت میکردم. میگفت واقعا\* خوشحالم زیرا در مقابل اینهمه محبت مردم توانستیم کار مثبتی انجام دهیم، توانستیم تعدادی از آنها که جرات نمیکردند چپ به مرزبان نگاه کنند تارو مار کنیم. من امیدوارم مردم آگاه‌تر باشند و ظواهر را نبینند. چون ظواهر زودگذر است.

**سؤال -** کک مردم به دو قسم است یکی کمک مادی مثلا\* مردم شربینی میگیرند شکلات میگیرند و لطف میکنند برایمان میفرستند این البته قابل تقدیر است کمک دوم معنوی است که آنهم الان خیلی خویست ولی یک عنوان برای من هست و یک هراسی هم پشت سر این سؤال برآیم بوجود آمده است آیا بعد از جنگ هم باین الطاف مردم خواهد بود یا اینکه همان مسائل سابق و همان سؤال کردنها که الان هم زرمسه\* آن بگوش می‌رسد تکرار خواهد شد آیا باز مرز و امثال مرا به دادگاه خواهند کشید و باز باید جواب بدهم که چرا کج رفتن چرا راست رفتن و چرا آن دارم راست میروم و همین روزهایی که همین افسران و درجه‌داران و سربازان در جبهه جان میدهند و اینگونه به خون خود می‌غلتند و با کمترین امکانات بزرگترین کارها را انجام میدهند، آیا بعد از جنگ تمام میشود و یعنی از یاد میرود واصلا\* صحبتی از آن به میان نمی‌آید؟ و یا اینکه در خاطر ملت میماند و می‌بینند که ارتشی که دارد برایشان کار میکند باقی میماند. البته میدانم ملت بیدار ما فراموشکار نیست اما...

سرگرد اطراقچی - بله توقع ما اینستکه از محابیت شود حال که تخصصهای ما رفتا در باید این متأسفانه ارتش را حفظ و حمایت کرد. زیرا آن کسانی که در ارتش مانده‌اند کسانی هستند که بخاطر حقوق و مزایا مانده باشند اگر هم بیرون بروند خیال نکنم نتوانند لقمه نانی پیدا کنند بنابراین اگر مانده‌اند هدفشان

**بطور کلی دشمن از هوانیروز خسارات زیادی دیده و روحیه‌اش واقعا\* پائین آمده است**

خدمت بوطن است البته ممکن است که گاه در بین ما افراد ناجور هم باشند ولی کلا\* آدم‌هایی که هستند عاشق انقلاب و وطنشان هستند پس باید آنها را تقویت کرد! ولی متأسفانه



هنوز پرسنل و بخصوص فرماندهان، نمیدانند که آغاشیان چه خواهد شد. نمیدانند که بالاخره اینها بعنوان انسانهای ارتشی و وطن دوست مورد قبول ملت واقع میشوند یا خیر. این چیزی است که من استنباط میکنم ببینید الان ما مداهیم و بازنده کیلومتر بیشتر با دشمن فاصله نداریم. با وجودیکه هر آن جان ما در معرض خطر است مع الوصف می‌جنگیم. شما بدانید اگر با این برتری قوای عراق باز ارتش ایران در مقابلش استفاده است فقط ایمان ارتش است و الا اگر این وسایلی که آنها دارند ما داشتیم تا حال تکلیف جنگ را بکسره کرده بودیم. فقط تنها چیزی که ما را ممکن است در این نبرد سست کند همین عدم اعتماد نسبت به آینده خودمان است.

**سؤال -** خبر درگیری‌های سیاسی که گه‌گاه در مللکت شاهد آن هستیم آیا اینجا یعنی به جبهه هم می‌رسد و اگر می‌رسد چه اثری بر روحیه پرسنل رزمنده دارد؟

سروان برتوی-بله خبر این درگیری‌ها به جبهه هم می‌رسد و متأسفانه اثر نامطلوبی دارد. آنهم باین ترتیب که پرسنل میگویند ما که با خلوص نیت، با عشق و ایمان می‌جنگیم که البته وظیفه ماست، حداقل این دعوایهای سیاسی که در سطح بالا انجام میشود باین صورت نباشد و یک اتحادی هم در بین سران باشد تا بتوانند همه با هم دست بدست بدهند و پیشرفت حاصل کنند.

دشمن از این دعوایا بهره میگیرد دشمن همانطور بکار نشسته است. این درگیری‌ها صد در صد در روحیه بجهه‌ها اثر میگذارد و میگویند که باز همان حالت کسختگی ایجاد میشود و دیگر اسلحام بوجود نماید و اثرات نامطلوبی باقی میگذارد.

سروان درخشان - شاید اگر این اخبار در داخل شهرها و در بین مردم عادی ۵۰ تا ۶۰ درصد اثر بگذارد اینجای یعنی در جبهه باصدا\* اثر میگذارد. و یک خبر کوچک، یک اجتماع کوچک و یا یک اشکال کوچک در سطح مللکت اینجا شاید صدها برابر بیشتر از شهرها بخش شود و تاثیر بر روی روحیه کسانی که اینجا کار میکنند میگذارد. و اغلب هم تاثیر ضعیفی گذاشته است.

**عراقی در قتلگاه خودش وارد شده است این همان اشتباهی است که هیتلر در جنگ جهانی دوم کرد**

تقریباً این نقایص برطرف شده است. البته حالا هم که عراق حمله کرده است چیز مهمی نیست. چون عراق در قتلگاه خودش وارد شده است. این همان اشتباهی است که هیتلر در جنگ جهانی دوم کرد. چیزی که مسلم است اینست که عراق هم از موقعیت استفاده کرده و در زمانی که ما در ضعیف‌ترین وضع خودمان بودیم و خیال میکرد ارتشی نیست که جلوش بایستد جرات کرده و به خاک ما آمده است.

**سؤال -** در مقایسه با اولین روزهای نبرد آیا بازده کار شما تغییر کرده است یا خیر و اگر تغییر کرده این تغییر در جهت بهبود بوده یا تراجاعول چه عاملی میدانید؟

سرگرد اطراقچی - استعداد گردان من بالای ۹۰ درصد است و بجهه‌ها خیلی سعی میکنند دلیلش هم واضح است چون ایرانی به سن متعالی مذهبی معتقد است، ایرانی وطن خود را دوست دارد. من بادم می‌آید در خارج که بودم اگر فرضاً یک ایرانی تصادف میکرد اگر حق به او بود چون خارجی بود حق را بطرف مقابل میدادند. اینستکه آدم بی‌وطن انسان بدبختی است. و ما هم چون نمی‌خواهیم بی‌وطن شویم می‌جنگیم.

سروان درخشان - ما باین کارآیی را داشتیم و فقط حفظ کردیم. البته واضح است وقتیکه این قبیل مسائل پیش می‌آید واقعا\* قواپشان چندین برابر میشود و الان هم یک همچو چیزی است و می‌توان درک کرد که کارآیی پرسنل تهاجه‌اندازه بالا رفتا هستی و

**سؤال -** در جبهه‌های آجا وحدت فرماندهی و هماهنگی بین رزمندگان وجود دارد یا خیر؟

سرگرد اطراقچی - مسئله مهمی که باید تذکر دهم اینستکه باید بیش از پیش این ارتش و پاسداران و کلا تمام رزمندگان وحدت ایجاد شود. بطوریکه

**سرگرد اطراقچی: ما تاکتیک میدانیم و برادران پاسدار آلمان سرشاری دارند خوب چه اشکالی دارد که ما از هم استفاده کنیم**

هرکس برای خودش عمل نکند. الان ما تاکتیک میدانیم و برادران پاسدار ایمان سرشاری دارند. خوب چه اشکالی دارد که ما از هم استفاده کنیم. من واقعا\* لذت میدهم وقتی این پاسداران را می‌بینم که مثل فنر از جایشان کنده میشوند و تا قلب دشمن میروند. بهر حال باید وحدت ایجاد شود تنها عمل کردن اصلا به صلاح نیست.

سروان درخشان - الان وضعی پیش آمده است که دو جبهه تشکیل شده، یک عده از ارتش تعریف میکنند عده‌ای دیگر از سپاه، عده‌ای ارتش را تکذیب میکنند آن دیگران سپاه را. مگر غیر از این است که هم سپاه و هم ارتش مال این مللک هستند. ما هم مسلمانیم، آنها هم مسلمانند. پس چرا عده‌ای سعی کنند ما را روبروی هم قرار دهند آیا بهتر نیست که بجای روبرو بودن پشت به هم قرار گرفته و از هم استفاده کنیم. متلاصم خلبانی بلمد آن پاسدار جنگ چریکی، اینک درگیر شدن ندارد خوب هرکس تخصص در یک چیزی است. و باز باید بگویم که هیچ فرقی بین نیروهای رزمنده نیست چه ما که در آسمان می‌جنگیم، چه آن که در زمین رزمی در بدترین اوضاع و احوال جوی گلوله آیشاده است و با بهترین روحیه جنگ میکند و چه آن پاسدار که به قلب دشمن میزند. همه

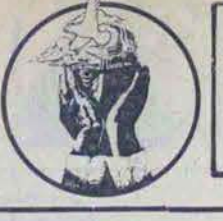
**نه تنها الان بلکه بعد از جنگ هم نباید بین رزمندگان فرقی گذاشت**

مسلمان و جزا\* این مللکند. این مسئله باید رعایت شود نه تنها الان بلکه بعد از جنگ هم نباید بین رزمندگان فرقی گذاشت.

سروان برتوی-در شرایط کنونی وحدت فرماندهی حائز اهمیت است اگر این وحدت نباشد کار بنایستگی انجام نمیشود. بنظر من تمام نیروهای نظامی و مسلح از یک قدرت فرماندهی واحد پیروی کنند. تا هرچه زودتر به پیروزی دست یابیم.

در خانه این گزارش کار دارد از تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی بخاطر اینکه اجازه این مصاحبه را بیا داده‌اند تشکر کنیم. ما با میل بودیم که با خود تیمسار هم مصاحبه‌ای داشته باشیم و با وجودیکه تقریباً سه روز مسافت خود را بتعویق انداختیم و منتظر شدیم تا ما را بپذیرند لیکن متأسفانه بخاطر کار زیاد ایشان موفق به مصاحبه نشدیم امیدواریم در سفر آینده بدل توجه بیشتری ننوده و کارشان هم سبکتر شده باشد تا بتوانیم از نزدیک با ایشان گفتگوئی داشته باشیم.





از شماره پیش  
تمام تدابیر اقتصادی که در دوران انقلاب اتخاذ شده است و من یا مبتکر آن بودم و یا در ابتکارش شرکت اساسی داشتم، خط به خط مخالف لیبیرالیزم اقتصادی است مثلاً ملی کردن بازرگانی خارجی که در قانون اساسی هم هست. ملی کردن بانکها و بخش مهمی از صنایع

# لیبرالیسم چیست و چرا طرح شد؟! گفتگویی با استاد سید ابوالحسن بنی‌صدر



گفتگویی با استاد سید ابوالحسن بنی‌صدر

این بحثها وقتی مطرح شد دیگر نمیتوان با چوب و چماق حکومت کرد و هر جا کمبودی بود بزور چماق آن کمبود را حل کرد، جامعه خود بخود بطرف فکر روشنی که یک سرانجام روشنی را طرح میکند، میروند مگر این قابل قبول است که جامعه بعد از دو سال که از انقلاب گذشته هنوز ندانند چه کسی برای جامعه برنامه دارد چه کسی ندارد و این برنامه‌ها چه اصول و فرعی دارند که بکار جامعه میخورند و یا نمیخورند تا بتواند انتخابی انجام دهد مگر میشود در جامعه انقلابی انتخابی انجام بدهد یا بدهد آنکه مردم بدانند به چه برنامه‌ای رای میدهند و اگر شده بدلیل وجود جو ابهام روز افزونی است که در سایه چوب و چماق بوجود آمده است و این برای جمهوری بسیار خطرناک است زیرا فرجامی ندارد و نیروهایی هم که این وضع را بوجود میآورند سرانجامی ندارند، اگر اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر روز بحرانی‌تر میگردد بدلیل بکار بردن این شیوه‌های نادرست است و علت اینکه ما میگوییم آنها تکیه تبلیغاتی میکنند بزیان انقلاب تمام میشود اینست که از مبانی اسلام آگاهی ندارند و وقتی آگاه نیستند که زمانی که این عوامل با هم جمع شدند کار را بجا میسراند چگونه میخوانند تبلیغ صحیح و درستی انجام دهند، زمانی که نمیدانند فقدان نظم به عنوان مثال در زمینه اقتصادی، کار، تولید، مصرف و بکار میسراند، چگونه میخوانند مبلغ نظم اقتصادی بشوند، زمانی که نمیدانند فقدان نظم در نیروهای مسلح و وضعی را برای استقلال و موجودیت ایران بوجود می‌آورد چگونه می‌خوانند یک تبلیغ صحیحی در این زمینه انجام دهند. بسیاری از دانشمندان کاری که بعلت اینکه نمی‌دانند برنامه چیست بوجود می‌آید، شما در این روزها اصلاً حضور از حکومت و دولت در این دستگاه می‌بینید؟ پس معلوم میگردد که ما چه می‌کنیم، چطور ممکن است که باشیم و برنامه‌ای هم برای عمل داشته باشیم و باز هم غایب باشیم؟ پس دستگاه تبلیغاتی خود می‌گوید که برنامه‌ها وجود ندارد و بعلمت اینکه چیزی وجود ندارد و از آن نمی‌شود صحبتی بمیان آورد بحث بروی مسائلی می‌گردد که واقعتاً ندارند و ذهنی هستند. پس برای اینکه مسئله اصلی یعنی "کدام برنامه برای چه نوع ایران" طرح نگردد تا فقر بعضی وقت بعضی معلوم نگردد و همچنین معلوم نگردد که جامعه چه میخواند، ناچار بحثهایی بمیان می‌آید که معلوم نیست به کجای زندگی ما مربوط است. ما باید بجای از آن ملاحظه کنیم، ناچار خواهیم رسید به این مسائل برای ملاحظه باشد، هر چه بجای رسیده‌ایم؟ کدام برنامه را خواستیم اجرا کنیم که ببینیم با لیبیرالیسم تضاد دارد یا خیر؟ کدام برنامه را مطرح کرده‌ایم که عده‌ای آن را انتقاد کرده باشند از دید-

بترت را درست بکنم تا آزادی به معنای واقعی تحقق پیدا کند و جهان را آزاد کند بگیرد و برمی‌گردد به آن خط جامعه‌فلاطون که آزادی حق آن مرز جامعه است که فیلسوفانند و اشرفند. پس مسئله ما این نیست که همان آزادیها را منکر بشویم زیرا که با لیبیرالیسم مخالفیم، نه ما آن حد را کافی نمی‌دیدیم. برای رشد انسان عقیده ما اینست که انسان در تقابل آزاد نمیشود، بتدریج از خود بیگانه‌گردیده و میرسد به حد شیئی آزادی انسان در رابطه با خدا تحقق پیدا میکند. فلذا آزادی را میخوانیم گسترش بدو جهت آزادی به معنای واقعی کلمه و نه آزادی که از طریق تبدیل شدن انسان به نیروی رقابتی بوجود می‌آید زیرا آن آزادی بتدریج انسان را در تضاد بین نیروها ناچیز میکند. بعنوان مثال اگر با کسی دعوا داشته باشد تمام وقتش را باید صرف این دعوا بکند و خود بخود اسیر این فکر میگردد. در اینجا آزادی چه معنا دارد؟ وقتی انسان از این دشمنیها و کینهها رها شد

من عقیده‌ام این است که اینها اصلاً نمیخوانند معنای لیبیرالیسم طرح بشود خوشان هم میدانند که نمی‌دانند لیبیرالیسم چیست و از همین تعریفها که من این چند روز در روزنامهها خواندم آشکار است که ما فقر علمی ما خیلی زیاد است و ناآگاهی در یک سطح دهشتناکی است. نتیجه این میشود که لیبیرالیسم از لحاظ اینکه این کلمه در سابق برای "دوران قاجار وجود داشته و عده‌ای هم امروز طرفدار آزادی هستند، پس براحتی نمیتوان برهر کسی که بگوید: آزادی، فم، آزادی بیان و آزادی... گفت تو لیبیرالیست" حاله که نمیتواند بگوید این آزادیها خوبند یا بد میگویند این آزادیها که اینها میگویند آزادی نیستند، اینها لیبیرال هستند و تحت عنوان این آزادیها میخوانند یک چیزهایی دیگری را بیان کنند که ما از آنها متبرسم. حالا آن چیزهای دیگر چیست؟ معلوم نیست، این بحثها همان بکاربرد روش تخریب است، کسی که میخواند بحث علمی و بحث میگوید آزادی اینست، می‌تواند فکر می‌کند اشتباهت هم اینست و اگر فکر به اجرا درآید به این نتیجه میرسد، این یک انتقاد علمی است و احتیاج هم به بیان همه داد و قال و برجسبیدن ندارد. علاوه تمام اسمهای دیگر هم که بعد از لیبیرالیسم بوجود آمده است منکر آن آزادیها در حداقلی که هست نبوده، تحت فشار آزادیست "است و من باید نژاد بعلت اینکه "انتخاب اصلم" است و من باید نژاد

تو که مدعی هستی که لیبیرال نیستی، بسیار خوب، آن بر نامه‌ای را که تو میخواهی اجراء کنی چیست؟ برای اینکه آن مسئله اصلی یعنی کدام برنامه برای چه نوع ایران مناسب است. طرح نشود، تا فقر و قوت فکری اشخاص معلوم نگردد و تا معلوم نشود که جامعه چه میخواند، ناچار این نوع بحثها بمیان می‌آید.

عنوان بحران مارکسیسم امروزه در اروپا مورد بحث است. امروزه در فرانسه میبینید که طبقه کارگر و کشاورز بیش از یک سوم جمعیت فرانسه نیست، یعنی آن دیکتاتیک اجتماعی که فرار بود تحقق پیدا کند و جامعه به دو طبقه سرمایه‌دار کوچک و پروتلاریت تقسیم شود حارق پیدا نکرده است و هر چه زمان پیش می‌رود بقول مارکسیستها گروههای خرد بورژوا یعنی آنها تکیه در تولید نقش مستقیم ندارند، یعنی نه مالک سرمایه‌اند و نه فروشنده کار صاحب سرمایه، مانند کارمندان اداری، دیوانسالاران و تکنوکراتها. اینها روز بروز تعدادشان بیشتر میشود، در جامعه بنابران تعیین علمی راه بجایی نبردند بدلیل اینکه "اول" تقابل نیروها برای انکار روابط بیرونی یک امر درونی و داخلی گرفتند و این یک وهم علمی است و واقعتاً ندارد و بعلمت اینکه غلط است تعیین اجتماعی بر آن پایه تضاد درونی غلط از آب در می‌آید، بعنوان مثال، شما نمیتوانید طبقات اجتماعی را در ایران مطالعه کنید بدون اینکه روابط ایران با بقیه دنیا را در نظر بگیرید و اگر بخواید این روابط را در نظر بگیرید دیگر از قلمرو مارکسیزم خارج میشوید. اینها همه محتاج بحثهای آزاد است، علت این هم که با بحثهای آزاد مخالفند، روشن است، زیرا

در قلمرو سیاست به روشهای تخریبی چوب و چماق و هیجانهای سیاسی تکیه کنیم و نه بالاخره در زمینه اجتماعی می‌توانیم بی‌نظمی اجتماعی را برای مدتی طولانی ادامه دهیم. ناچار در همه زمینهها وضیعت ما روز بروز بدتر می‌شود و این واقعیتی است که وجود دارد و مردم آن را لمس می‌کنند. هیچ احتیاجی نیست که ما آن را بگوییم و یا نگوییم، مانی توانیم مانند یک عمل کنیم، چطور ما نگوییم، وضع اقتصادی خراب شده؟ مردم کشور که این وضع را لمس می‌کنند و زندگی روزمره‌شان است نمی‌دانند؟ حالا فرض کنید ما بگوییم خوب، زندگی اوست. بگفتن و نگفتن من نیست. اگر ما نگوییم ثبات سیاسی روز بروز کمتر میشود چیزی را عوض میکند؟ بگفتن و نگفتن ما واقعتاً عوض میشود؟ ما نگوییم حاله که این آقایان مانند دوره پهلوی هر وقت می‌خواستند اصلی را در مجلس تصویب کنند "مختاری" می‌فرستادند و در مجلس تا اورا می‌دیدند همه خلاف می‌کردند و رای دادند، امروز هم مسئولین زندانها را آورده‌اند به ما صاحبچه که در جواب رئیس جمهور بگویند شکسته گام است و می‌بایست جای زندان گروستان درست کرد؟ این آن جلوه‌ها حکومت اسلامی است که شما وعده می‌دهید؟ ما بجای ایوب بهشت ابواب گروستان را میخوانیم بروی مردم باز کنیم. واصل؟ این حرفها امینتی برای فعالیت مردم باقی می‌گذارد؟ خیر آقایان، این به گفتن و نگفتن ما نیست، واقعتاً همین است که وجود دارد و ما باید ببینیم باین ترتیب وضع کشورمان رویه بهبود می‌رود یا خیر، و اگر خیر باین کارها که بکنیم که رویه بهبودی بود. حالانکه می‌خواهم این بحث را تمام کنم، جمله‌ای که می‌خواهم بگویم آنست که: یک کارهایی انجام میگیرد، این کارها راهگسائی انجام می‌دهند من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم مردم خود می‌دانند که این اعمال کارکنان را سامان نرسانند و ناسیامانی بیشتر شده است. من عقیده‌ام اینست که هنوز وجود من موجب امید گردیده که ما می‌توانیم برای این عمل علیه کنیم. و این یک اقبال بزرگی است برای جمهوری، حال فرض کنیم که من حذف شدم، آیا آنها همان کارها را دنبال خواهند کرد؟ و اگر بلیه. همان کارها را انجام خواهند داد من به آنها می‌گویم که با کمال تأسف من خیر کشور را از دست خواهند داد. و اگر خیر بنابر تغییر است، این تغییر را هم اکنون بدهند، با هم رفیق شویم و اختلافات هم از بین می‌رود، زیرا اختلافات بر سران واقعیتهاست. اگر می‌گویند آن کارها خوب است، باینند در یک بحث آزاد مارا قانع کنند تا ما هم موافق بشویم. اما اگر آن کارها خوب نیست حذف ما موجب بهبود سرنوشت نخواهد شد بلکه موجب تسریع آن سرنوشت محتوم می‌گردد و سقوط سریعتر فراهم میگردد.

عنوان بحران مارکسیسم امروزه در اروپا مورد بحث است. امروزه در فرانسه میبینید که طبقه کارگر و کشاورز بیش از یک سوم جمعیت فرانسه نیست، یعنی آن دیکتاتیک اجتماعی که فرار بود تحقق پیدا کند و جامعه به دو طبقه سرمایه‌دار کوچک و پروتلاریت تقسیم شود حارق پیدا نکرده است و هر چه زمان پیش می‌رود بقول مارکسیستها گروههای خرد بورژوا یعنی آنها تکیه در تولید نقش مستقیم ندارند، یعنی نه مالک سرمایه‌اند و نه فروشنده کار صاحب سرمایه، مانند کارمندان اداری، دیوانسالاران و تکنوکراتها. اینها روز بروز تعدادشان بیشتر میشود، در جامعه بنابران تعیین علمی راه بجایی نبردند بدلیل اینکه "اول" تقابل نیروها برای انکار روابط بیرونی یک امر درونی و داخلی گرفتند و این یک وهم علمی است و واقعتاً ندارد و بعلمت اینکه غلط است تعیین اجتماعی بر آن پایه تضاد درونی غلط از آب در می‌آید، بعنوان مثال، شما نمیتوانید طبقات اجتماعی را در ایران مطالعه کنید بدون اینکه روابط ایران با بقیه دنیا را در نظر بگیرید و اگر بخواید این روابط را در نظر بگیرید دیگر از قلمرو مارکسیزم خارج میشوید. اینها همه محتاج بحثهای آزاد است، علت این هم که با بحثهای آزاد مخالفند، روشن است، زیرا

تو که مدعی هستی که لیبیرال نیستی، بسیار خوب، آن بر نامه‌ای را که تو میخواهی اجراء کنی چیست؟ برای اینکه آن مسئله اصلی یعنی کدام برنامه برای چه نوع ایران مناسب است. طرح نشود، تا فقر و قوت فکری اشخاص معلوم نگردد و تا معلوم نشود که جامعه چه میخواند، ناچار این نوع بحثها بمیان می‌آید.

عنوان بحران مارکسیسم امروزه در اروپا مورد بحث است. امروزه در فرانسه میبینید که طبقه کارگر و کشاورز بیش از یک سوم جمعیت فرانسه نیست، یعنی آن دیکتاتیک اجتماعی که فرار بود تحقق پیدا کند و جامعه به دو طبقه سرمایه‌دار کوچک و پروتلاریت تقسیم شود حارق پیدا نکرده است و هر چه زمان پیش می‌رود بقول مارکسیستها گروههای خرد بورژوا یعنی آنها تکیه در تولید نقش مستقیم ندارند، یعنی نه مالک سرمایه‌اند و نه فروشنده کار صاحب سرمایه، مانند کارمندان اداری، دیوانسالاران و تکنوکراتها. اینها روز بروز تعدادشان بیشتر میشود، در جامعه بنابران تعیین علمی راه بجایی نبردند بدلیل اینکه "اول" تقابل نیروها برای انکار روابط بیرونی یک امر درونی و داخلی گرفتند و این یک وهم علمی است و واقعتاً ندارد و بعلمت اینکه غلط است تعیین اجتماعی بر آن پایه تضاد درونی غلط از آب در می‌آید، بعنوان مثال، شما نمیتوانید طبقات اجتماعی را در ایران مطالعه کنید بدون اینکه روابط ایران با بقیه دنیا را در نظر بگیرید و اگر بخواید این روابط را در نظر بگیرید دیگر از قلمرو مارکسیزم خارج میشوید. اینها همه محتاج بحثهای آزاد است، علت این هم که با بحثهای آزاد مخالفند، روشن است، زیرا

۱- جابجایی منافع فردی و گروهی بجای منافع عمومی؛ افراد و گروههای سلطه‌جو معمولاً منافع خصوصی و گروهی را بجای منافع عمومی غالب میکنند و ادعا میکنند که اقدامات، طرحها و سیاستهای آنان حافظ منافع عمومی بویژه توسعه است. در حالی که نتیجه کار آنها در اکثر موارد بنبغ خود فرد یا گروه و برخلاف منافع عمومی است.

۲- استفاده از روش تهمت و برجسب علیه مخالفین: گروههای انحصارطلب برای اینکه آسانتر بتوانند رقابتی خود را از صحنه رقابت بیرون کنند و ناموفقان را سریعتر تلافی کنند و خویشتن را در رونق معمولاً از روش برجسب زنی استفاده می‌کنند و از اینطریق سعی دارند که همه کسانی را که با اهداف و روش آنها موافق نیستند یا تمهت‌هایی چون "عالم امپریالیسم"، "جاسوس بیگانه"، "بیگانه‌پرست"، "لیبرال" و غیره از میدان بدرکنند.

۳- تحمل ناپذیری از انتقاد: معمولاً گروههای انحصارطلب تاب تحمل انتقاد را ندارند حتی اگر سازنده باشد. هر نظر انتقادی را از جانب دیگران مساله شخصی تلقی می‌کنند و غالباً انتقادات مخالفین را بخشی از یک "نوطه عظیم" در داخل و خارج تلقی می‌کنند، لذا انتقاد کنندگان را مستوجب تعقیب میدانند.

۴- تداخل مرز خصیصه و عمومی: گروهها و افراد سلطه‌جو همچنین بین مرز خاص و عمومی و مرز عمومی در جامعه تفاوتی قائل نیستند و بان اهمیت چندانی نمیدهند. هرگاه که صلاح بدانند در مسائل خصوصی افراد جامعه تحت منافع جمعی دخالت میکنند.

۵- هدف‌های وسیله: افراد و گروههای انحصارطلب بطور کلی برای خود ایده‌نولوژی و فلسفه شسته و رفته‌ای دارند و در فراگرد سیاسی و برخورد های اجتماعی هر کجا که با تناقض مواجه شوند از اینک اهداف خود را فدای روش وسیله سازند ابائی ندارند و بر اساس آنها هدف همیشه وسیله را ترجیح مینمایند.

۶- هدف‌های وسیله: افراد و گروههای انحصارطلب بطور کلی برای خود ایده‌نولوژی و فلسفه شسته و رفته‌ای دارند و در فراگرد سیاسی و برخورد های اجتماعی هر کجا که با تناقض مواجه شوند از اینک اهداف خود را فدای روش وسیله سازند ابائی ندارند و بر اساس آنها هدف همیشه وسیله را ترجیح مینمایند.

۷- منی‌پولیت افکار عمومی MANIPULATE افراد و گروههای سلطه‌گرا همچنین تخصص و مهارت خارق‌العاده‌ای در شکل دادن افکار عمومی و رهبری آن دارند. تصمیم‌ها و اهداف خود را که در بسیاری موارد نامقبول و حتی غیرمنطقی است میتوانستند بسپولت یا ساختن گلاهای شرعی و با هیاهو و در صفحه ۱۱

توطئه، خطر و انحصارگرائی است. زیرا اعتماد بازیگران سیاسی نسبت بیکدیگر کم است. هر گروهی گروه دیگر را شیطان‌صفت، منحرف و فریبکار می‌پندارد و بر چنین اساسی بخود حق میدهد که دیگران را تحت کنترل و سلطه خویش درآورد. روح همکاری و معاضدت از محیط سیاسی رخت برمی‌بندد و هر گروه سعی می‌کند مخالفین خود را از طریق توطئه‌چینی و پرونده‌سازی از صحنه رقابت محو کند. محیط و فضای سیاسی مترادف است با خطر و ناامنی و امنیت قضائی از بین می‌رود و حقوق افراد و گروهها زیر پا نهاده میشود. هر گروه مدعی است خود مطلق است حق مطلق است و صالح و حاکم مطلق. نقش دولت‌ها محدود به اعمال زور و قدرت میشود و تشکیلات مجلسی و امنیتی توسعه مییابد و کنترل و مکانیزم‌های اختناق وسعت میگردد. مسائل و مشکلات سیاسی بدون مشورت و تبادل نظر و بطور یکجانبه حل و فصل میشوند و آنچه باقی‌می‌ماند سلطه‌جویی و انحصارطلبی است.

فراگرد سیاست انحصارگرائی و سلطه‌جویی بسیار پیچیده و مبهم است ولی بطور کلی سلطه‌طلبان طرحهای خود را برای کسب قدرت نهائی و قبضه کردن حکومت بطور تدریجی و با صحنه‌سازیهای ماهرانه انجام می‌رسانند. در مراحل اولیه مردم اقدامات آنان را جدی تلقی نمی‌کنند و حتی میتوان دادند که نسبت به عملکرد آنان وجدان آگاهی دارند و از پیروزیهای موفقی آنها معنی خاصی استنباط نمی‌کنند. و اگر این فراگرد همچنان ادامه یابد لحظه‌ای متوجه میشوند که دیگر کار از کار گذشته و مراکز حساس تصمیم‌گیری در امور مملکتی در کنترل افراد گروههای سلطه‌جو درآمده است. بگاهی کوتاه به فراگرد پیروزی حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان قبل از جنگ جهانی دوم و همچنین تسلط استالین بر گروههای مخالف در رژیم نوپای شوروی پس از مرگ لنین این مساله را بخوبی روشن می‌سازد. از نقطه نظر تاکتیکی‌های سیاسی گروههای انحصار-گر و سلطه‌جو دارای مشخصاتی هستند که در ذیل مختصراً به آنها اشاره میشود.

۱- مکتب‌پرستی: فرد یا گروه بجای ملت: این افراد و گروهها غالباً آنچه را که خود می‌گویند و عمل می‌کنند زبان و عمل ملت به حساب می‌آورند و معمولاً گفتار و اعمال خود را تحت شعارهایی چون "ملت"، "زحمتکش"، "پرولتاریا"، "امت"، "ستمدیدگان" و غیره به اجرا می‌گذارند.

قدرت"، "آزادی"، "برابری"، "طبیعت و سرشت انسان"، "اعتماد متقابل" و غیره همگی مسائلی است که در فرهنگ هر قوم و طایفه‌ای معانی خاصی دارند. مثلاً در یک فرهنگ از قدرت و قدرت سیاسی چگونه تعبیر میشود و از این وسیله در رابطه با کسانیکه فاقد آن هستند چگونه مورد استفاده قرار میگردد. مردم درباره آن چمنهوری دارند و در مقابل قدرت چگونه واکنش نشان میدهند. در مورد آزادی نیز چنین سئوالاتی مطرح است. مثلاً در فرهنگ یک جامعه مساله آزادی چگونه طرح شده و آیا اصولاً در آن فرهنگ واژه‌ای بنام آزادی وجود دارد. آیا از اصطلاح پاکله آزادی بعنوان یک مساله معتبر و با ارزش یاد شده یا مساله‌ای بی‌معنی و غیر غیرمنطقی بنظر آمده است، همچنین چگونه طرح مساله "برابری" در یک فرهنگ بسیار بااهمیت است. مثلاً در بعضی جوامع برابری انسانها از نقطه نظر فرهنگی کاملاً بی‌معنی است و فاقد اعتبار اجتماعی است. مثلاً در کشور هند هنوز طبقات و کاستها نقش مهمی در روابط اجتماعی بازی میکنند. یکی دیگر از عناصر عقاید اولیه که در فرهنگ و وجود دارد قدرت است که از "طبیعت و سرشت" انسان میشود. مثلاً در بعضی فرهنگها انسانها ذاتاً موجوداتی هستند: شیطان صفت و غیرقابل اعتماد. به انسانها نمی‌توان اعتماد کرد جز منافع خویش به چیز دیگری نمی‌اندیشند. در متون ادبی، داستانها، و آفسانه‌های کهن هر قوم و طایفه‌ای از انسانها و نقش آنان تصاویر مختلفی داده شده که بعضی سعی در آشکار ساختن سرشت شیطانی و بعضی کوشش کرده‌اند که نقش سازنده و فرشته‌گونه‌انسانها را نشان دهند.

عقاید اولیه بر فرهنگها اثر دارند و بر فراگرد سیاسی در یک جامعه ونوع حکومتی که انتخاب میشود تاثیر فراوان میگذارند. بعضیها عقیده دارند چنانچه در یک فرهنگ سیاسی گرایشهای سیاسی در رابطه با اعتقادات اولیه منبسط باشد روشها و متدهائی که در محیط سیاسی به منظور حل و فصل مسائل بین گروههای مختلف بکار برده میشوند متأثر از همکاری و مشارکت همه آنها بوده و صلح‌جویانه و واقع‌گرایانه خواهد بود، زیرا اعتقادهای اصول آزادی و برابری و همچنین خوشبینی نسبت به طبیعت و سرشت انسان موجب میشود که اعمال زور و خشونت در حوزه سیاست مورد استفاده قرار نگیرد و با حل و فصل قضایا از طریق مسالمت‌آمیز و با مشارکت همه

فرهنگ سیاسی «مسلط» و «انحصار طلبی»

مشکل انحصار طلبی یا سلطه‌جویی بویژه در حوزه سیاست يك مسئله تصادفی نیست و تنها به يك شخص یا گروه خاص فرهنگی است و با فرهنگی است و سیاسی يك جامعه مربوط می‌شود

گروههای ذی‌نفع، از سلطه‌جویی فرد یا گروهی بر گروههای دیگر جلوگیری کرد. در یک فرهنگ سیاسی که گرایشها نسبت به عقاید اولیه مثبت است، محیط سیاسی از وحشت و خفا و خطر و ناامنی مبرا است و امنیت قضائی در جامعه حکمفرما است. فرد یا گروه خاصی دیگران را صرفاً بر اساس شیطان صفتی و عدم همکاری میخواند تحت کنترل و انقیاد و سلطه خویش درآوردند. اختلافات سیاسی بین گروههای ذی‌نفع با مشارکت و همکاری همه آنها صورت میگردد. در چنین فضائی درستی مطلق، حق مطلق و خوب و بد مفهومی ندارد و همه چیز نسبی است. برعکس چنانچه محتوای فرهنگ سیاسی در یک جامعه نسبت به عناصر تشکیل دهنده اعتقادات اولیه بطور کلی جنبه منفی داشته باشد، روشها و متدهائی که بازیگران سیاست برای حل و فصل مشکلات جامعه بکار میگیرند غالباً پس از خشونت، ناامنی،

دکتر هرمز مهرداد







# بزرگترین انبار مهمات دشمن منهدم ۲۰۰ تن کشته شدند

**آبادان و خرمشهر** - درگیری در تمام جبهه‌های آبادان و خرمشهر بین مدافعین انقلاب و سپاهیان دشمن همچنان ادامه دارد. ساعت ۱۷/۳۰ دقیقه دیروز بزرگترین انبار مهمات دشمن در بخش غربی خرمشهر، آنسوی رودخانه کارون توسط رزمندگان دلاور ارتش جمهوری اسلامی ایران و دیگر نیروهای مردمی بکلی منهدم شد. از تلفات دشمن هنوز آمار نرسیده است.

نیروهای خودی در نیمه شب پریش در شمال رودخانه بهمینشیر به سنگرهای عراقیها شبخون زدند که بر اثر آن حدود دویست نفر از افراد دشمن هلاک و تعداد زیادی از آنان مجروح شدند. در این شبخون ۱۲ نفر از قوای دشمن نیز به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. در این عملیات شجاعانه ۶۰ تن از انبار مهمات و نیز دو کامیون حامل مهمات عراقی بکلی منهدم شد. در این جبههها صبح دیروز تانکهای دشمن شروع به پیشروی کردند که با آتش شدید توپخانه ارتش پیشروی آنان متوقف شد و طی یک درگیری دو تانک دیگر دشمن نیز منهدم شد و عراقیها مجبور به فرار از صحنه جنگ شدند. درگیریهای دیگری تا ساعت ۱۱ باامداد دیروز از جبهه آبادان گزارش شده اما آمار تلفات و خسارات دشمن هنوز تهیه نشده است.

بر اساس همین گزارشات در نبردهای ۴۸ ساعت اخیر جبهه‌های آبادان سمت از مدافعین راستین انقلاب به شرف شهادت فانی آمدند و ۲ نفر دیگر مجروح شدند. همچنین بر اثر آتش توپخانه دشمن به مناطق مسکونی شهر آبادان پرتویز سه تن از مردم بی دفاع این شهر به شهادت رسیدند.

## اتومبیل‌های که از طریق ستاد مشترک از تشر بنماق مختلف اعزام میشوند بیمه خواهند شد

اطلاعیه شماره ۳۳۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بسمه تعالی

همه میهنان مسلمان و رزمندگان ایران قسمتی از جانبازیها و فعالیت‌های رزمندگان نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران را که در ۱۶ آذرماه با اکتال به خداوند قادر متعال و رهنمودهای امام امت و حق شناسی ملت عزیز در نابودی دشمنان اسلام انجام گرفته به آگاهی میرساند.

الف: عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۱- قسمتی از سکوهای نفتی البکر والیمه در دهانه فائو بمباران شد که بر اثر این بمباران هوایی شعله‌های آتش و دود ساعتها از چند کیلومتری به وضوح دیده میشد.

۲- تاسیسات نزدیک آنتن ماکروویو شمال شرقی خرمال هدف قرار گرفت که میزان تخریب نود درصد بوده است.

۳- پادگان نظامی شهر سلیمانیه در شمال شرقی عراق بمباران شد میزان خسارات وارده چهل درصد بوده است.

۴- قسمتی از تاسیسات پادگان حل شو بمباران شد که میزان تخریب و خسارات وارده هنوز دقیقاً مشخص نشده است.

همچنین به یک ستون زرهی دشمن در محور سابله، فکه حمله شد که در این حمله هوایی تعدادی از کامیونها و تقریباً زرهی دشمن منهدم شد.

ب: عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

در اثر آتش توپخانه و خمپاره‌اندازی نیروهای خودی در منطقه گیلان غرب یک نفر و یک کامیون دشمن منهدم و هفت نفر از قوای دشمن کشته و تعدادی مجروح شدند. همچنین در منطقه غرب دزفول با اجرای آتش سنگین توپخانه و خمپاره‌اندازی رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران پنج تانک، هشت دستگاه خودرو، دو انبار مهمات، یک خمپاره‌انداز و هشت سنگر دشمن منهدم و حدود پنجاه نفر از نیروهای ارتش عراق کشته و زخمی شدند. پرتویز در همین جبهه رزمندگان جانباز نیروی زمینی با اعزام اکیپ‌های گشتی تعداد بیست و هفت نفر از نفرات دشمن را به هلاکت رساندند و یک نفری و یک کامیون دشمن را منهدم کردند. روز شانزدهم آذرماه رزمندگان نیروی زمینی با اجرای آتش توپخانه و حملات پیاپی هلیکوپترهای هوانیروز در جبهه‌های اهواز و سوسنگرد این تلفات و خسارات را به نیروهای ارتش عراق وارد ساختند.

انهدام بیست و یک دستگاه تانک، چهارده عراده توپ و ضد هوایی با دستگاه مربوطه، هفت دستگاه نفربر، چهارده دستگاه خودرو، پنج قبضه تیربار، شش سنگر با نفرات مربوطه و انهدام دو خودرو حامل مهمات و یک انبار مهمات، ضمن در ایمن عملیات رزمندگان نیروهای خودی بیش از دویست پنجاه نفر از مزدوران دشمن را در جبهه‌های جنوب کشته و یا زخمی کرده‌اند. در ساعت ۵ روز شانزدهم آذرماه توپخانه‌های سنگین نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مناطق و تاسیسات نظامی الدویب را در داخل خاک عراق زیر آتش شدید قرار داده و خسارات و تلفات شدیدی به نیروهای مزدور عراقی در این منطقه وارد ساختند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

## آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان من از محتوای قطعنامه خبر نداشتم

اصفهان- حضرت آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان که راهپیمایی روز جمعه این شهر به دعوت ایشان صورت گرفت از محتوای قطعنامه‌های درباریان راهپیمایی قرائت شاد اظهار بی‌اطلاعی کرد.

آیت‌الله طاهری در تماسی با خبرنگار کیهان گفت: راهپیمایی روز جمعه به پشتیبانی از روحانیت مبارز و بدعت اینجانب صورت گرفت اما قیل‌از قرائت قطعنامه آن در جمع راهپیمایان من از مفاد قطعنامه بی‌اطلاع بودم. آیت‌الله طاهری همچنین از ماده ششم قطعنامه که طی آن اخراج دکتر سلیمان نمانیده در مجلس شورای اسلامی خواسته شده بود

## هشدار ستاد امنیت تهران به بازرسان قلابی ستاد امنیت

خبرگزاری پارس - ستاد امنیت تهران دیروز با انتشار اطلاعیه شماره ۲۱۵ خود از شهروندان خواست تا از پاسخگویی به آمار گرانی که بنام ستاد امنیت بدون داشتن حکم ماموریت از این ستاد خودداری کرده و آنها را به مامورین نظامی یا کیمته‌های انقلاب معرفی نکنند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است اخیراً دیده شده عده‌ای خود را به عنوان مامور و بازرس ستاد امنیت معرفی کرده و مشغول آمارگیری و کسب اطلاعات از خانه‌ها و اماکن مسکونی شده و در مقابل درخواست ارائه حکم ماموریت یا کارت

## فعالیت‌های ستاد مداوم امداد بهریستی

سازمان بهزیستی کشور که اخیراً از وزارت بهداری و بهزیستی جدا گردیده است اقدامات انجام داده ستاد مداوم امداد بهزیستی این سازمان را از بدو تا شنبه (۵۹/۸/۵) تا هفته اخیر به این شرح گزارش داد:

۱- اتخاذ طرح و اجرای بسیج مدارس و گذاردن صندوق اعانات جهت کمک به مناطق جنگ‌زده.

۲- تشکیل ستاد مداوم امداد بهزیستی مادر در تهران برای کمک‌رسانی و ایجاد هماهنگی لازم در تمام امور با همکاری مددکاران و کارمندان مسلمان و متعهد جهت تجهیز این ستاد که شامل کمیته‌های هماهنگی و برنامه‌ریزی، تبلیغات، تدارکات مالی و اداری و نقلیه و کمیته اجرایی و تحقیق.

۳- تشکیل و بسیج سادهاهی شبیه به ستاد مداوم و امداد تهران در شهرها و مناطق جنگی در استان‌های خوزستان که شامل شعبات سوسنگرد، بیبهان، شوشتر، دزفول، اندیمشک، شادگان، آبادان، ماهشهر، خرم‌آباد و اخیراً در حمیدیه.

۴- ستاد مستقر در استان ایلام

۵- ستاد مستقر در کرمانشاهان شامل شعبات کرد، سراب، نیلوفر و دالاهو.

۶- تشکیل دفتر به منظور شناسایی و کسب اطلاع از کودکان بی سرپرست و خانواده‌های آن در صورت عدم شناسایی آنها اعزام فرزندان به واحدهای آماده‌شده و ثبت‌نام علاقمندان به نگهداری این کودکان.

۷- ایجاد هماهنگی با تمام ارگان‌های فعال مناطق جنگی، مثل استانداری و فرمانداری.

۸- ارائه برنامه و اجرای طرح اسکان آوارگان جادرنشین در روستاهای کرمانشاه که مورد استقبال مقامات محلی واقع شده.

۹- پرکردن روستاهای مناطق جنگی در رابطه با حفظ و تقویت روحیه رزمندگان در جبهه و جلوگیری از افزایش علاقه و انگیزه خطرناک شهروندی در میان آوارگان و جلوگیری از اشاعه فحشا و بی‌خوردگی گروهی و فرقه‌ای در رابطه با اسکان در جادرها.

۱۰- بازسازی منطقه بوسیله نیروهای بومی منطقه و ارائه خدمات اجتماعی، عمرانی، مذهبی و روانی بمنظور تقویت هرچه بیشتر روحیه مقاومت در مردم منطقه و در نتیجه جلوگیری از کوچ آنها.

۱۱- آماده‌سازی چند واحد سازمانی در شهرهای چون خرم‌آباد و تهران بمنظور نگهداری از کودکان بی سرپرست.

۱۲- آماده‌سازی سه واحد کهریزک، برای گلهای سابق و سرانی در نیاوران برای نگهداری معلولین جنگ‌زده بطور موقت و انجام معالجات لازم و تحویل آنان پس از مداوا به خانواده‌هایشان.

۱۳- تجهیز و آماده‌سازی مراکز درمانی و توان بخشی بمنظور ارائه خدمات دست‌وپاسازی، ویلچر- سازی، فیزیوتراپی و ...

۱۴- اعزام هیجده اکیپ مددکاران اجتماعی و چند اکیپ از طلاب حوزه علمیه قم.

۱۵- اعزام ۲۱ کامیون بیش از ۶۴ دستگاه وسیله نقلیه دیگر برای حمل مواد مورد نیاز.

۱۶- پوشاک گرم و جادر و نیز ارسال پوستر، تراکت، کتاب و اعلامیه‌های پیام‌های امام به مردم عراق بر زبان عربی و برای منطقه خوزستان.

## تظاهرات شدید علیه بو ژرف در هند تظاهر کنندگان در حالیکه فریاد می‌زدند «افغانستان، چکسلواکی نیست» توسط افراد پلیس متفرق شدند

خبرگزاری فرانسه از دهلی نو - باامداد دیروز با ورود لئونید برژنف مرد شماره یک روسیه به دهلی نو تظاهرات بسیار شدیدی علیه حضور نیروهای روسیه در افغانستان در دهلی نو برپا شد و کاروان رسمی برژنف تاگزیر شد مسیر خود را از فرودگاه تا کاخ ریاست جمهوری هند تغییر دهد. بیش از ۴۰۰ پناهنده افغانی و طرفداران سوسیالیست و مارکسیست - لنینیست هندی در حالیکه فریاد می‌زدند «افغانستان چکسلواکی نیست» توسط افراد پلیس به باخشت داده شد تا مسیر خود را تغییر دهد و با تظاهر کنندگان روبرو نشوند.

## معاون نخست وزیر در امور طرح‌ها و برنامه‌ها تعیین شد

دکتر عبدالله جاسی استاد یار دانشگاه علم و صنعت درجای خود را در به سمت معاونت نخست وزیر در امور طرح‌ها و برنامه‌ها تعیین شد.

متن حکم چنین است: برادر دکتر عبدالله جاسی بموجب این ابلاغ به سمت معاونت نخست وزیر در امور طرح‌ها و برنامه‌ها تعیین شد.

## گزارش کمیسیون‌های مجلس

تهران - جلسه مشترک کمیسیون‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و تحقیقات و تعلیمات عالی دیروز با شرکت اعضای دو کمیسیون تشکیل شد و مسائل زیر مورد بحث قرار گرفت: دکترب - بررسی طرح اعزام وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی گزارشی ارائه داد و در این گزارش اظهار داشت که مسئولین دوزارتخانه از تراکم کارها در نتیجه ادغام بیم دارند که برای آنان توضیح داده شود که ادغام یعنی حفظ همه سازمانهای موجود نیست بلکه بمنظور هماهنگ کردن سیاست و نظام تعلیماتی در تمام دوران تحصیل و هماهنگی سیاست فرهنگی و تحقیقاتی است. مسئولان آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی در این جلسه چند ماده از قانون روابط مومر و مستاجر مورد بحث و رسیدگی قرار گرفت.

## معاون کل وزارت امور اقتصاد و دارائی:

## دولت در نظر دارد در سرمایه گذار یهای مشترک با دول خارجی تجدید نظر اساسی بعمل آورد

معاون کل وزارت امور اقتصاد و دارائی دولت در نظر دارد در سرمایه گذاریهای مشترک با دول خارجی تجدید نظر اساسی بعمل آورد.

کل وزارت امور اقتصادی و دارائی بعد از ظهر روز دوشنبه برای شرکت در اجلاس سالانه سهامداران شرکت کروب راهی آلمان غربی شد. دکتر نوربخش خود در مورد سرمایه گذاریهای خارج از کشور یک گفتگوی کوتاه با خبرنگار خبرگزاری پارس در باره هدف از این سفر داشت. دولت جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد در سرمایه گذاریهای مشترک با شرکتها و دول خارجی یک تجدیدنظر اساسی بعمل آورده و مورد سرمایه‌گذاریهای که خلاف منافع ملت ایران است تصمصم جدی اتخاذ کند.

## تقی فراخی سفیر ایران در چین شد

ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین میباشند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

روزنامه‌ها

روزنامه انقلاب اسلامی

سید ابوالحسن بنی صدر

سید جمال‌الدین موسوی

مقاله دارپست

مقاله ۱۱ پستی

تلف: ۲۳۸۴۱

افزون بر این با اطلاع کرد و مشروط موافق، به این شرط که اگر آقای سلیمان در سخنرانیاش در مشهد گفته باشند که «مجلسیست» از ۱۴ درصد کارآفرینی نماندگان مجلس، بقیه از امور پارلمانی و مسائل سیاسی مملکت آگاه نیستند باید برود در شان رابخوانند موقوف خروج ایشان از مجلس هشتم آیت‌الله طاهری افزود: «اساساً سخنرانی آقای سلیمان در مشهد مسئله آفرین شده موجب دادن آفرین سه مفیدین است! گردیده است. من انتظار چنین سخنرانی را نداشتم»

## روزنامه‌ها

## آمریکا از جنگ صدام، برای محاصره منطقه بهره میگیرد

اردن موضع خود را در جنگ ۱۹۶۷ هنگامیکه جنگ قسمتی بر مرزهای سوریه و مصر در جریان بود و نیروهای رژیم اشغالگر قدس مجبور شد برای مقابله با سوریه ارتش خود را از مرز اردن به این مرز گسیل دارد با اطمینانی که از موضع اردن داشت از یاد برده است یا خود را به فراموشی میزدند در صورتیکه اردن می‌توانست بکروزه با حمله اردن در جنگ ۱۹۶۷ از دست رفته بود بازرس بگیرد و قدس را آزاد نماید ولی شاه اردنی مانع از تحقق این امر شد.

سپس روزنامه سوری النوره در دنباله این تفسیری افزود: رژیمهای اردن و عراق بر اساس نقشه‌های آمریکایی متبناگونی که جنگ صدام بر علیه ایران را طرح برزی کرده است عمل می‌نماید و اکنون که نتایج جنگ برخلاف توقع آمریکا آمده آمریکا می‌کوشد تا سیاست سازگاران به سوی نیویورک بیاورد و در این زمینه فرصت را مناسب یافته است تا دخول نیروهای نظامی آمریکا در منطقه که بهانه تامین امنیت امکان پذیر نماید روزنامه النوره سپس از ذکر علت و حمایت بیدریغ اردن از عراق سؤال کرده می‌نویسد: رژیم اردن در موضع حقیقی خود را در قبال مسأله اعراب می‌نویسد و برای توجیه چنین رفتاری خود از جنگ صدام به دروغ‌سازی دست زده. آیا رژیم

## معاون کل وزارت امور اقتصاد و دارائی:

## دولت در نظر دارد در سرمایه گذار یهای مشترک با دول خارجی تجدید نظر اساسی بعمل آورد

معاون کل وزارت امور اقتصاد و دارائی دولت در نظر دارد در سرمایه گذاریهای مشترک با دول خارجی تجدید نظر اساسی بعمل آورد.

کل وزارت امور اقتصادی و دارائی بعد از ظهر روز دوشنبه برای شرکت در اجلاس سالانه سهامداران شرکت کروب راهی آلمان غربی شد. دکتر نوربخش خود در مورد سرمایه گذاریهای خارج از کشور یک گفتگوی کوتاه با خبرنگار خبرگزاری پارس در باره هدف از این سفر داشت. دولت جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد در سرمایه گذاریهای مشترک با شرکتها و دول خارجی یک تجدیدنظر اساسی بعمل آورده و مورد سرمایه‌گذاریهای که خلاف منافع ملت ایران است تصمصم جدی اتخاذ کند.

## تقی فراخی سفیر ایران در چین شد

ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین میباشند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

روزنامه‌ها

روزنامه انقلاب اسلامی

سید ابوالحسن بنی صدر

سید جمال‌الدین موسوی

مقاله دارپست

مقاله ۱۱ پستی

تلف: ۲۳۸۴۱

چاپ: شرکت ایرانچاپ

## چگونه امکان دارد که نسبت به عدم نظافت گوی و کوچ‌هایمان بی تفاوت باشیم؟

روابط عمومی شهرداری تهران

چاپ: شرکت ایرانچاپ